

قانونی بیشتر مانده علیه کارگران افغانی در ایران

مرکز خبری کارگر امروز: از اوائل سال ۷۰ قانونی به اجرا درآمده است که به موجب آن کارفرماها باید معادل ۲۳ درصد حقوق کارکنان غیر ایرانی خود و مشخصا کارگران افغانی را به دولت بپردازند. این مبلغ معادل است با میزانی که کارفرماها می بایست جهت بیمه کارگران ایرانی خود بپردازند. اما طبق این قانون در مقابل پرداخت این مبلغ کارگران افغانی بیمه نمی شوند، بلکه مبلغ فوق در واقع سهم مستقیم دولت از استعمار وحشیانه کارگران افغانی محسوب می شود. با وقاحت اعلام شده که این مبلغ جزو درآمدهای دولت است. اضافه می شود که این وجه با مبلغی که کارگران مهاجر بهنگام تمدید پروانه کار باید به سازمان تامین اجتماعی بپردازند، متفاوت است. هدف دیگر از این قانون بیشترمانه، این عنوان شده است که اقدامی برای جلوگیری از اشتغال کارگران خارجی است. "موسی رضا" معاون وزیر کار در گفتگویی در اوائل آذر ماه با روزنامه کار و کارگر از نتایج هشت ماهه اجرای این قانون اظهار رضایت کرد و گفت که این قانون بعنوانی

مکمل "اقدامات فیزیکی از طریق نیروهای انتظامی" برای جلوگیری از کار کارگران خارجی مفید بوده است. اما نتیجه عملی این قانون چیزی نیست جز تحمیل دستمزدهایی بازهم ناآزتر به کارگران افغانی که تحت فشار فقر و فلاکت به ایران هجوم آورده و بدون هیچگونه حمایت قانونی تحت سختترین و هولناکترین شرایط حاضر بکار می شوند. بعنوان نمونه ای از تاثیر عملی قانون فوق، دو کارگر افغانی طی نامه ای که در شماره ۲۹ آبان روزنامه کار و کارگر به چاپ رسیده است، چنین شکایت کرده اند: "همه ساله بنا به مقررات تمدید پروانه کار حدود ۳۰ درصد از کل درآمد ماهیانه ما به حساب دولت و در وجه سازمان تامین اجتماعی واریز می گردد. امسال اداره اشتغال اتباع خارجی به کارفرماها اعلام کرده که معادل بیست و سه درصد از حقوق اتباع خارجی به وزارت کار و تامین اجتماعی پرداخت شود. به این ترتیب ۵۳ درصد از حقوق ما می بایست کسر گردد. شایان ذکر است که نه کارفرما حاضر به مبلغ یاد شده (۲۳ درصد) می باشد و نه ما توانایی پرداخت آنرا داریم..."

حزب الله در پوشش کارگران صنعت نفت

مرکز خبری کارگر امروز: روزنامه "کار و کارگر"، ناشر افکار شوراهای اسلامی و خانه کارگر جمهوری اسلامی، در شماره ۲۱ آبانماه خود متن قطعنامه ای را منتشر کرد و مدعی شد که "در گردهمایی اخیر کارگران صنعت نفت" به تصویب رسیده و خواسته کارکنان نفت است. به گزارش این روزنامه که در مورد زمان و مکان برگزاری چنین گردهمایی توضیحی نداده است، در بند اول قطعنامه آمده است: "تبعیت از ری امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای را تنها راه دستیابی به آرمانهای مقدس انقلاب اسلامی و نظام اسلامی دانسته و در این راه از هیچ کوششی فرو گذار نخواهیم کرد". در بندها دیگر ضمن اعلام وفاداری به دولت جمهوری اسلامی و مجلس اسلامی از تصویب قانون کار جمهوری اسلامی که ابتدایی ترین حقوق کارگران ایران را

اجتماع کارگران اخراجی فنساز خاور

مرکز خبری کارگر امروز: در هفته دوم آبانماه بیش از ۱۶۰ کارگر فنساز خاور واقع در شهر صنعتی کاوه (ساوه) در اعتراض به اخراج خود در مقابل فرمانداری شهر ساوه اجتماع کردند و خواهان بازگشت به کار و پرداخت دستمزدهای معوقه شدند. از ابتدای اسفند سال ساختار سازی تحت عنوان تغییر ساختار سازمانی و تعدیل نیرو اقدام به اخراج از ۳۶۰ نفر پرسنل این کارخانه ۹۰ نفر بازخرید، ۴۸ نفر اخراج شده و تعداد زیادی نیز در بلاکلیفی به سر می برند. به گزارش روزنامه کار و کارگر، کارفرما از اجرای تصمیم هیات حل اختلاف که احکام اخراج را باطل اعلام کرده، خودداری کرد و در عوض افراد بلاکلیفی را نیز تهدید به اخراج کرده است.

انتخاب کارگر نمونه زن

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۴ دیماه طی مراسمی با حضور وزیر کار پنج نفر از کارگران بعنوان کارگر نمونه زن در سال ۷۰ معرفی شدند. انتخاب امسال بر اساس ضوابط جدیدی انجام شد که ادیبی مدیر کل اداره خدمات اجتماعی وزارت کار طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرده بود. وی این ضوابط را رعایت شعائر اسلامی، تعهد به کار، رعایت مقررات و دستور العملهای کارگاه، رعایت مسائل ایمنی و بهداشت محیط کار، نوع آوری و خلاقیت و روحیه تعاون و همکاری اعلام کرد. ادیبی اضافه کرد که انتخاب کارگر زن نمونه در سه مرحله صورت می گیرد، مرحله اول کارگر نمونه در کارگاه انتخاب و به استان معرفی می شود، سپس از بین کارگران منتخب استان چند نفر به وزارت کار معرفی می شوند و سرانجام وزارت کار از بین کارگران نمونه استانها پنج نفر را انتخاب می کند. در زمان جنگ ضوابط انتخاب کارگر نمونه زن، که چیزی جز توهین و تحقیر زنان و تقدیس اسلامی موقعیت فرودست آنان نیست، عمدتا معطوف به این بود که کارگران زن چند بچه بدنیا آورده اند و چندتای آن در جنگ اسلام کشته شده اند.

بقیه از صفحه اول

هزاران کارگر نیشکر... و بیشتر از لرستان برای کاری بسیار طاقت فرسا به مزارع نیشکر می روند. برای تعیین دستمزد و دیگر شرایط کار خود به اعتراضات و اعتصابات گاه یکی دو هفته ای دست می زنند که در سالهای گذشته چندین بار با یورش وحشیانه نیروهای انتظامی و حتی نظامی رژیم اسلامی روبرو شده است. اعتصاب آبانماه امسال که بنظر می رسد همراه با بازگشت اعتراض آمیز گروههای زیادی از کارگران نی بر همراه بوده، دارای چنان ابعادی است که هر خطر زیانهای هنگفتی را برای کارفرما بوجود آورده است، چندانکه این خبر در روزنامه کار و کارگر نیز منعکس گشت. این روزنامه با تاسف اعلام کرد که طبق آخرین خبر، ۲۳ آبانماه، کار کشت و صنعت همچنان راکد مانده و اضافه کرد: از کارگران عزیز انتظار می رود که برای رسیدن به خواستههای صافی خود حتی الامکان از اینگونه شیوهها که خسارت هنگفتی را متوجه جامعه می سازد استفاده نکنند.



آئین نامه جدید پاداش افزایش تولید

کارگران در سال پاداش افزایش تولید دریافت دارند: با توجه به کاهش بسیار شدید قدرت خرید کارگران پس از شناور کردن نرخ ریال، آئین نامه جدید پاداش افزایش تولید و باز کردن فضا برای انعقاد قراردادهای دسته جمعی در واقع تلاشی آشکاری است برای وادار کردن کارگران به افزایش تولید در ازای بهبود جزئی در دریافتها. این آئین نامه همچنین میزان دریافتهای کارگران را بیش از پیش به توافقات کارگران هر واحد با کارفرمای مربوطه گره می زند و در واقع سیاستی کما بیش متفاوت به نسبت سیاستهای تاکنونی دولت اسلامی است که موافق یکسانی سوادج دریافتها در کارخانههای مختلف بوده است.

برسمیت شناخته "تشکر و تقدیر بعمل آمده است". بند پنجم به شوراهای اسلامی اختصاص دارد و درخواست شده تا موانع ایجاد شده از سوی مدیریت وزارت نفت برای تشکیل شوراهای اسلامی در واحدهای صنعت نفت سرعیا برداشته شود. در این قطعنامه یک بند نیز در اعتراض به تبعیضات موجود در وزارت نفت بین کارمندان و کارگران آمده و خواسته شده که این نابرابریها حذف شود. از سوی دیگر طی دو ماه گذشته تعدادی از نمایندگان مجلس نیز به کمپین برای تحت فشار قرار دادن وزارت نفت برای ایجاد شوراهای اسلامی پیوسته اند و در دو مورد خواهان توضیح وزیر نفت در مورد عدم تشکیل شوراهای اسلامی در صنعت نفت شده اند. بیش از ۱۱ سال بعد از سرکوب تام و تمام شوراهای واقعی کارگری در صنعت نفت و اخراج، زندان و اعدام کردن تعدادی از رهبران و فعالین کارگران نفت، هنوز دولت اسلامی در خوف از خاطره شوراهای و خطر "از دست رفتن کنترل اوضاع"، جرئت نکرده حتی به شوراهای اسلامی، این ارکانهای دست ساز خود در صنعت نفت اجازه فعالیت بدهد. هم اکنون کشاکش نسبتا گسترده ای بین خانه کارگر و وزارت کار از یکسو و چندین وزارتخانه دیگر نظیر نفت، نیرو و صنایع سنگین از سوی دیگر بر سر اتخاذ تصمیم در مورد تشکیل شوراهای اسلامی در کارخانهها و مراکز بزرگ و حساس کارگری جریان دارد. قطعنامه اخیر شوراهای اسلامی که از زبان کارگران نفت مطرح شده است، از جمله اهرمهای فشاری است که خانه کارگر و برخی محافل دولت اسلامی برای تشکیل شوراهای اسلامی، که طبق نظر اینان بهترین راه کنترل اعتراضات کارگری است، تدارک دیده اند.

بقیه از صفحه اول
اتحادیه بین المللی کارگران شمال آمریکا شاخه محلی اتحادیه ما از نقض حقوق بشر در قبال طبقه کارگر کشور شما ابراز نگرانی می کند. هیچ کشوری در جهان متمدن حق ندارد با کارگران چون برده رفتار کند و عدالت معمول قرن بیستم در روابط کارگر و کارفرما را از آنان دریغ کند. ما از تلاشها و مبارزات کارگران در ایران و خارج ایران برای اعاده حقوق مشروع و اصولی کارگران ایران دفاع می کنیم. شاخه محلی اتحادیه ما خواستار آنست که کشور شما کارگران را از حقوقی که حق مسلم و حیاتی آنهاست برخوردار کند.

کمیتة هدبستگی ارتباطات کارگری طبق اطلاعاتی که به ما رسیده است جمهوری اسلامی ایران جمال چراغ ویسی، کارگر بخش خدمات و عضو اتحادیه صنعتگر را در ماه آوریل ۱۹۹۱ اعدام کرده است و اتحادیه مزبور نیز سرکوب و منحل شده است. علاوه بر این مطلع شده ایم که در ژانویه ۱۹۹۱ رژیم اسلامی عبدالله بیویسه، کارگر نانوايي را نیز بقتل رسانده است. در طول ۱۱ سال حکومت سرکوبگرانه رژیم کنونی صدها فعال کارگری به قتل رسیده اند. این علاوه بر هزاران فعال اتحادیه ای و زندانی سیا است که هم اکنون بدلیل اعتقاداتشان به زندان افتاده اند. این واقعیت که در قانون کاری که جدیدا به تصویب رسیده است کارگران ایران از حقوقی که بعنوان حقوق اولیه کارگری در سطح بین المللی به رسمیت شناخته شده اند، نظیر تشکیل سازمانهای کارگری مستقل و حق مذاکره بر سر پیمان های دسته جمعی محروم شده اند برای ما تکان دهنده است. این قانون کار به کار کودکان قانونیت می دهد و کارگران زن را مورد تبعیض قرار می دهد. ما قویا سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم و خواهان آزادی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در ایران هستیم. ما از خواهان حق اعتصاب و تشکیل سازمانهای مستقل کارگری هستیم. ما از سازمان بین المللی کار (ای.ال.او) خواهیم خواست که رژیم اسلامی را از کنفرانس این سازمان اخراج کند.

سندیکای ایزر از "ث.اف.د.ت." اتحادیه استانی ما از وضعیت کارگران ایران بویژه از دستگیری و اعدام فعالین اتحادیه ای در کشور شما مطلع شده است. ما از شما می خواهیم تا به اطلاع دولتتان برسانید که ما این اعدام ها را قویا محکوم می کنیم و آزادی کارگران مبارز زندانی را خواستاریم. و بالاخره از شما می خواهیم که حقوق ابتدایی کارگران یعنی حق تشکل در اتحادیه های مستقل و حق اعتصاب محترم شمرده شوند. ما از کنفدراسیون خود می خواهیم که در مجامع بین المللی که حضور می یابد، جمهوری اسلامی ایران را در مورد تجاوز به آزادیهای اساسی مورد مواخذه قرار دهد.

ISSN 1101-3516

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

Bank Account: حساب بانکی 5201-3306202 S.E. Banken Stockholm, Sweden

صفحات انگلیسی: بهرام سروش مرکز خبری، مصطفی صابر، لسرون جلالی، آذر ماجدی، مریم کوشا، امور اجرایی: فریده آرمان، فهیمه قطبی، ایرج فرزاد، علی کهن. صفحه بندی: فورتم تیمتر نویسی: پروانه کامپوتری ایزسافت

Address: آدرس W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد - بها برای موسسات دو برابر قیمت های فوق است (تمام قیمتها با معاسه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مايلم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

W.T. P.O.Box 241412 L.A., CA 90024 USA

کارگر امروز

بیاد جنبش بیکاران قزوین

هادی رشیدیان

طی سالهای بعد از اصلاحات ارضی قزوین بتدریج به یکی از قطبهای صنعتی ایران تبدیل شد و بسیاری از زحمتکشان شهرهای زنجان، همدان، هشتگرد را بخود جذب کرد. بعد از قیام و به دنبال تعطیل شدن بخشی از کارخانجات بیکار سازهایی وسیعی در قزوین آغاز شد که اولین قربانیان آن کارگران مبارز و فعالین شوراها کارگری بودند.

کارگران اخراجی اعتراضات وسیعی را برای بازگشت بیکار سازمان دادند و هنگامی که با تجمع در مقابل کارخانجات به خواست خود نرسیدند در اداره کارگاهی که بسرعت به محل تجمع کارگران بیکار تبدیل شد، اجتماع می کردند. هر چند اداره کارگاهی چیزی جز وعده و وعید به کارگران نداد اما اتحاد و همبستگی کارگران در طول این دوره افزایش یافت، عمیق شد و گرایش به سازمانیابی و یافتن مکانی برای تجمع در بین آنها رشد کرد.

در یکی از روزهایی که کارگران در مقابل اداره کارگاهی اجتماع کرده بودند، کارگری با این سخنان بقیه را متوجه خود ساخت: ایستادن در مقابل اداره کارگاهی و درخواست مراجعه مجدد به سر کار دردی را دوا نمی کند. زن و بچه گرسنه بیش از این توان صبر کردن ندارند. این دولت طرفدار سرمایه حرف سرش نمی شود. باید با زور او را وادار به پذیرش خواستههایمان بکنیم. آتش به خرمن زده شد. خشم کارگران بیکار در شعار "دولت سرمایه دار حرف سرش نمی شه" خود را نشان داد. کارگران فعالتر بزودی دست بکار شدند. رای گیری لازم نبود. همه با شعارهای خود نشان دادند که سخنان آن کارگر را پذیرفته اند. تظاهرات به طرف فرمانداری آغاز شد. بعد از راهپیمایی و میتینگ در مقابل فرمانداری، ایده تصرف مکانی برای تجمع بسرعت مورد تأیید کارگران قرار گرفت. یک ساختمان خالی تصرف

شد، خانه کارگر قزوین نام گرفت و محل تجمع کارگران بیکار گشت. کارگران باید خانه کارگر را در مقابل تعرض پاسداران حفظ می کردند. گروههای مقاومت بسرعت شکل گرفتند و با عقیم کردن دو حمله پاسداران، آنها را برای مدتی از حمله به خانه کارگر و باز پس گیری آن منصرف کردند. کارگران در گروههای مختلفی نظیر تدارکات، تبلیغات، و ارتباطات سازمان یافتند و یک شورای رهبری انتخاب کردند.

ارتباط با کارگران شاغل و اتحاد با آنها یکی از مهمترین اهداف کارگران بیکار بود. گروه ارتباطات خانه کارگر قزوین هر روزه به کارخانجات مهم شهر می رفتند و کارگران شاغل را به اتحاد با کارگران بیکار تشویق می کردند.

کارگران بیکار از طریق اعمال فشار به فرمانداری و اداره کارگاهی امر استخدام در کارخانجات قزوین را زیر کنترل خود گرفتند. کارخانجات قزوین کارگران مورد نیاز خود را از طریق کارگرائی که خانه کارگر معرفی می کرد، تامین می کردند. خانه کارگر نه تنها محل تجمع کارگران بیکار بلکه محل رفت و آمد کارگران شاغل نیز بود و این به امر همبستگی بین آنها کمک کرد. این همبستگی هنگامی عمیق تر شد که کارگرائی که خانه کارگر برای استخدام به کارخانجات معرفی کرده بود در اعتراضات کارگری اواخر سال ۵۸ در قزوین نقش موثری ایفا کردند.

جنبش بیکاران قزوین برای جلب حمایت از خود فعالیتش را به محلات و مدارس نیز کشاند. آنها بارها از جمله در محلات "منبع آب" و خیابان سعدی که از محلات کارگری و فقیر نشین است اجتماع کردند و مخارج تحصن ۲۱ روزه کارگران بیکار با کمک مالی دانش آموزان مدارس تامین شد.

عاقبت جنبش بیکاران و خانه کارگر قزوین در مقابل تهاجم گسترده و وحشیانه نیروهای پاسدار و کمیته تاب مقاومت نیارورد اما تجربیات و دستاوردهای مثبت آن در یاد کارگران خواهد ماند.

کارگران شرکت اسکلتهای فولادی و مخازن آب :

انقلاب نکردیم تا عدهای طلبکارانه آن بالا بنشینند

نمی کند. اگر واقعا زوروش نمی رسد از مردم کمک بخواهد. مردم برای زندگی بهتر و سعادت جامعه و فرزندانمان حاضر نباشید به آنها بگذارند. نباید از کارگران صرفا تولید بخواهید و حاضر نباشید به آنها کمک کنید. اگر تحمل کارگران تمام شود کاری می کنند که هیچ آثاری از سرمایه دار و محترک و دیگر ظالمین نباشد.

تعدادی از کارگران خطاب به خبرنگار روزنامه کار و کارگر گفتند: شما دنبال چی آمده اید؟ "آقایان" کار خودشان را می کنند و ما هرچه بگوییم بیفایده است. یکی از کارگران ادامه داد:

بعضی از کارهای دولت مثل این است که ما بیاییم سر کار و بگوییم باشد فردا تولید می کنیم. روز بعد هم بگوییم فردا! خوب این فردها کی می آید که ما امیدوار باشیم... الان در این مملکت هرکس که پول و پارتی دارد از بهترین بهداشت و درمان و دیگر امکانات عمومی استفاده می کند. اما کارگران و دیگر اقشار محروم باید برای تهیه یک قلم دارو دربر بدوند. مردم با دست خالی و شکم گرسنه و ایمانی قوی انقلاب کردند نه برای اینکه عدهای بیایند و طلبکارانه آن بالا بنشینند و هیچ توجهی هم به مردم نکنند. این پست و کرسیها ارث و میراث نیست که به آنها رسیده باشد. آنها به همت مردم مسئول شده اند و حالا مردم را فراموش کرده اند.

کارگر دیگری در اعتراض به سازمان تامین اجتماعی گفت:

سازمان تامین اجتماعی از همان اول روی مدت قانون بازنشستگی پیش از موعد حرف داشت و می گفت که یکسال زیاد است. زیرا این قانون برای سازمان بار مالی دارد. ما فقط می توانیم بگوییم که عجیب! قانونی که به نفع کارگران سالخورده و از کار افتاده است برای آن سازمان بار مالی دارد. آنوقت آن ویلاهای سلطنتی و ماشینهای سفارشی و وامهای پلاغوض به سرمایه داران بار مالی ندارد. چطور شما به خودتان اجازه

ولی اگر منظور از مردم طبقه محروم است باید بگوییم که اینها شیبا از گرسنگی بیدارند، نه از پرخوری و سرمستی. حالا که دولت همه اجناس را به قیمت ارز رقابتی به ما می فروشد ما هم بطور جدی تقاضا داریم که حقوق و دستمزد ما را با ارز رقابتی پرداخت کند. چطور دولت حاضر نیست به مردمی که شیبا گرسنه می خوابند سوسیس بدهد اما انتظار دارد آنها خوب تولید کنند؟ جامعه کارگری اصلا راضی نیست حقوق با ارز دولتی بگیرد و اجناس را با قیمت ارز رقابتی تهیه کند. من از دولت محترم می پرسم که شما با این برنامه می خواهید به خودکفایی اقتصادی برسید؟ اگر به این خیال هستید بنده خدمتان عرض می کنم که

این برنامه موفق نیست. شما ابتدا می بایست به مشکلات کارگران رسیدگی کنید که ستون اصلی صنعت و تولید هستند. کارگر دیگری در همین رابطه اضافه می کند:

ما می ترسیم که دولت همین فردا اعلام کند که نان و گوشت و پنیر با ارز رقابتی فروخته می شود. شما امروز به هر روشگاهی مراجعه کنید اجناس با ارز رقابتی فروخته می شود. خوب، وقتی تمام زندگیمان شده "دلار" پس دولت حقوق کارگران را هم با دلار پرداخت کنید.

کارگر دیگری با عصبانیت می گوید: بعد از ۱۷ سال یک رادیو ندارم که ببینم در مملکت چه می گذرد. این زندگی نیست که ما می کنیم. بچه کارگر از گرسنگی حال ندارد راه برود. سوء تغذیه پدر مردم را در آورده آنوقت شما گوشت کیلویی چهار صد تومان می خورید. نه مسکن داریم نه درمان درست و حسابی داریم و نه هیچ امکانات اولیه ای در اختیارمان است. ما امروز اگر بخواهیم درمان را بازگو کنیم، سریع



به عنوان ضد انقلاب توی دهان ما می زنند. پس ما به چه زبانی حرف بزنیم که ضد انقلاب نباشیم؟ چرا تا دیروز که در جبهه ها شهید می دادیم انقلابی بودیم و امروز که از مشکلات حرف می زنیم ضد انقلاب شده ایم؟ بهمین خاطر ما جرئت نمی کنیم حرفمان را بزنیم و بگوییم گرانی است، بدبختی است. آقا، ما انقلاب کردیم که دیگر این مسائل نباشد. حق کارگر را باید بدهند تا کارگر بتواند تولید کند نه اینکه کارگر به نان شب محتاج باشد. ولی آقایان از دسترنج همین کارگر گرسنه صاحب ویلاهای آنتنایی و ماشینهای بیست میلیونی می شوند. این کجای انصاف و برابری است؟ این اجحاف و ظلم به جامعه کارگری است.

تصحیح خبر دستگیری کارگران در سنندج

در خبر دستگیری دو تن از فعالین جنبش کارگری در سنندج، در شماره قبلی کارگر امروز، نام یکی از کارگران دستگیر شده اشتباه سعید حسینی درج شده بود که صحیح آن سعید ساعدی است.

کارگر امروز را

برای خود دوستانان آبیون شوید

نشریه دنیای کارگران که تاکنون شماره آن منتشر شده است را از طریق نشریه کارگر امروز نیز می توانید دریافت کنید.

دنیای کارگران

شماره اول شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۷۰، ۲۰ تومان

- شورا - سنندج
- مبارزات کوره در سال ۶۹
- مواظب صاحب کوره های کرد باشیم
- تجاربی از مجامع عمومی کارگری
- کوره کشتارگاه انسانهای زحمتکش



۲۵٪ تخفیف برای مشترکین کارگر امروز

مشترکین میتوانند کتاب "کار ارزان، کارگر خاموش" را با ۲۵٪ تخفیف (با هزینه پست معادل ۶۰ کرون سوئد) از مرکز آبوتمان نشریه دریافت کنند.

یک اتحاد سوسیالیستی از مناسبات کار و سرمایه، و مطالبات سوسیالیستی برای اصلاحات فوری در وضعیت طبقه کارگر در ایران بدست داده میشود.



با معادل ۸۰ کرون سوئد (شامل هزینه پست)

"کار ارزان، کارگر خاموش" میزگردی است که طی ماههای گذشته چندین بار از صدای حزب کمونیست ایران پخش شده است. "کار ارزان، کارگر خاموش" نقد کهنه های از طرف کار جمهوری اسلامی است و ماهیت ارتجاعی این رژیم را در برخورد به طبقه کارگر پرورشی بنمایش میکشاند. از مجامع مبارزات "کار ارزان، کارگر خاموش" طرح

انگلستان	سوید	فرانسه	کوسک	کوسک	
<p>Spere Liner Stortorget 21 Malmö</p> <p>Collect. International 129-131 Charing Cross Rd London WC2H 0EQ</p>	<p>Video Press Hälonbergsgatan 5 Stockholm</p> <p>Pressbyrå Stockholm Central Station, Stora Hallen Gatuplan</p> <p>Bokhandeln Röda Rummet Drottning gatan 100 111 80 Stockholm Tel: 08-114210</p> <p>International Press Södergatan 20 203 12 Malmö</p> <p>Röda Stjärnan Ystadsgatan 15 214 24 Malmö Tel: 040-820340</p>	<p>Röda Stjärnan Bokhandel Fjärde Langgatan 8 B Göteborg</p> <p>Saluhallen Kungälv Skolevänd Delikatess Göteborg</p> <p>Röda Rummet Bokhandel Storgatan 15 Göteborg</p>	<p>Wagram Ch. de Guellette-Etoile Paris</p> <p>George V 99 Ave Champs-Elysees Paris</p>	<p>Karl Winter OHG Buchhandlung Landesgerichts str. 20</p> <p>Kaufplatz Passage Lokal 14 U2 Station Meinlhofer str. Zeitschriftenladen</p> <p>Flohmarkt: Jeden Samstag</p> <p>آمریکا</p> <p>Tasvir Gallery 18154 Sherman Way Reseda, CA 91335 Tel: 818-3448494</p> <p>1387 Westwood Blvd. Los Angeles, CA 90024 Tel: (213)477-477</p>	<p>Demos Butikken Elmegade 27 2300 København</p> <p>Zambon-Verlag Leipzig str. 24 6000 Frankfurt 90 Tel: 779223</p> <p>Heinrich-Helene Buchhandlung Schlüter str. 1 2000 Hamburg 13</p> <p>Buchladen Oster str. 15b 2000 Hamburg 20</p> <p>Des Arabische Buch Buchhandlung Knechtbeck str. 16 D-1000 Berlin 12 Tel: 030-3138021</p>

اخبار کوتاه

کارگران کشتی دریای مانش در خطر انجماد دستمزد

مرکز خبری کارگر امروز: کمپانی "سیلینک استنا" که یک خط کشتیرانی در دریای مانش است کارگران این کمپانی را تهدید کرده است که در صورتیکه طرح کاهش هزینه کمپانی را تا آخر ماه دسامبر نپذیرند این کمپانی تعطیل خواهد شد. طبق این طرح ۲۵ درصد از ۶ هزار کارگر این کمپانی بیکار خواهند شد و دستمزد مابقی کارگران تا سال ۱۹۹۳ منجمد خواهد ماند. انجاده کارگران کشتی قویا با این طرح مخالف است و اعضایش را برای یک اعتصاب آماده می کند.

فلاند

نرخ بیکاری به ۱۲/۱ درصد رسید

در ماه نوامبر سال ۹۱ نرخ بیکاری در فلاند به ۱۲/۱ درصد رسید. همزمان با افزایش نرخ بیکاری مخالفت علیه دولت نیز بالا گرفت.

فرانسه، سوانح حین کار

با فرو ریختن سقف بتونی طبقه هفدهم یک کارگاه ساختمانی متعلق به شرکت برق فرانسه بر سر ده کارگری که در آن مشغول به کار بودند، دو کارگر جان خود را از دست دادند و ۷ نفر زخمی شدند.

فرانسه، افزایش اعتصابات محلی

طبق آمار وزارت کار که در روز ۱۴ دسامبر در روزنامه فیگارو منتشر شد، "آزارهای اجتماعی موجب شده است که در ماه سپتامبر ۹۱، ۵۶۰۰ روز کار هدر رود، که نشاندهنده دو برابر شدن آن نسبت به سپتامبر ۹۰ است و به این معناست که روحیه و عزم مبارزه در حقوق بگیران بالا رفته است." این گزارش می افزاید، "اعتصابات محلی موجب تعطیل کار در ۵۲۶۰۰ شده است و تعطیلی کار تنها ۳۸۰۰ روز بر اثر مبارزات عمومی مشترک در چندین بنگاه بوده است."

اعتراض علیه اخراج دسته جمعی

بیش از ۸۰۰ فلزکار مرد و زن در روز ۱۳ نوامبر ۹۱ در شهر زارلویس آلمان علیه اخراج دسته جمعی ۶۷۳ کارگر و کارمند شاغل در شرکت صنایع الکتریکی کاوت و بوکس تظاهرات کردند. این بیکار سازی به علت انتقال سرمایه های این شرکت به یوگسلاوی که نیروی کار ارزانی دارد صورت می گیرد.

بریتانیا

انجماد دستمزد فلزکاران

مرکز خبری کارگر امروز: بیش از ۱۰ هزار کارگر فلزکار شاغل در کمپانی های ذوب فلز و سازنده وسایل خانگی با یکسال انجماد دستمزد و یا کاهش ناچیز دستمزد مواجه هستند. به گزارش تایمز مالی، روز ۱۶ دسامبر، فدراسیون تجارت فلز بریتانیا اعلام کرد که نرخ حداقل دستمزد کارگران در ساعت تا آخر سال ۹۲ راکد خواهد ماند. این نرخ حداقل دستمزد در ساعت سنتا یکی از مباحث مهم در مذاکرات میان کارفرما و اتحادیهها در سطح کمپانی بوده است و تأثیر مهمی در تعیین حقوق اضافه کاری دارد.

بنحو احسن (بعقیده خودم) انجام دادم تا روز آخر یعنی یکروز مانده به پایان ۶ هفته دوران آموزشی، عضو اتحادیه شدن، افزایش حقوقم و برخورداری از دیگر مزایا. بمن گفتند تو فردا زنگ بزنی اگر لازم بود بیا. من حس کردم که می خواهند اخراج کنند. از آنجایی که این حس رو کرده بودم روز قبلی در یک میتینگ اتحادیه بعنوان مهمان شرکت کرده بودم و به مسئول اتحادیه جریان را گفتم. او گفته بود اگر اخراج کردند بمن زنگ بزنی. ما کار زیادی نمی توانیم بکنیم چون عضو اتحادیه نیستی، ولی هر کاری بشود انجام می دهیم.

البته هفته قبلی یک نفر دیگر را هم اخراج کرده بودند و من فهمیدم که سیاست کلی و مخفیانه کمپانی باین ترتیب است که رانندههای جدید را تا زمانی که در دوره آموزشی هستند (۶ هفته) نگه می دارند، (یعنی با حقوق پایه و بی مزایا) بعد یکروز مانده به روز آخر اخراج می کنند. بهرحال همانطور که حدس می زدم اخراج کردند با این دلیل که آهسته کار می کنی و به مرکز دیر برمی گردی. من هم بمدت یکماه و نیم هر روز به آن مسئول اتحادیه زنگ زدم تا بالاخره ترتیب یک ملاقات با حضور خودش، رئیس مسئول من و رئیس کل بخش بریتیش کلمپیا را داد. من هم با خوشحالی رفتم و آنجا بود که متوجه شدم اتحادیههای کارگری و مسئولیتشان جز یک مشت امید واهی برای بستن دهن کارگران و خلع سلاح کردن آنها نیستند. در آن جلسه آقای مسئول ما به بهانه کار داشتن حضور پیدا نکرد. آقای مسئول کل هم همایش می گفت حرفهایی که تو می زنی با حرفهایی که من از مسئول تو شنیدم فرق می کند و متأسفانه وی اینجا نیست وگرنه خودش می گفت. آقای نماینده اتحادیه (نماینده من) هم که اصلاً زحمت بخودش نداد لبخایش را به سخن باز کند و به طرفداری از من حرفی بزند. فقط نشست و نگاه کرد. نمیدانم اصلاً گوش می داد یا نه. آقای رئیس کل کرد و طی آن به محکوم کردن من یک مسئله را فراموش کرده است. فکر کنم من اشتباه فهمیده بودم او آمده بود از آقای رئیس دفاع کند نه از من. خلاصه آقای رئیس تمام حرفش این بود که تو چرا ۳۰۰ عدد کارتن را به ۳۰۰ آدرس مختلف در شهر در عرض ۸ ساعت یا ۹ ساعت

امضا محفوظ
ونکرو - کانادا
نوامبر ۱۹۹۱

باعث شد که در شب سیام ماه مه کارگران نتوانند خود را از مهلکه نجات دهند. بعد از حادثه تعداد زیادی جسد سوخته پشت درب اصلی کارخانه و نیز در خوابگاهها یافت شد. کارخانه هیچ خروجی اضطراری نداشت و پنجرهها هم برای پیشگیری از دزدی زدهکشی شده بودند. تعدادی از کارگران که توانسته بودند از طبقات فوقانی ساختمان به بیرون بپرند، بشدت مجروح شدند. مقادیر زیادی از ماده "پ.فا.ث." در کنار خوابگاهها انبار شده بود بطوریکه می توان حدس زد که تعدادی از کارگران بخاطر تنفس دود سمی این ماده از بین رفتند... ماشین آتش نشانی قبل از رسیدن به محل حادثه بعلت نداشتن بنزین کافی متوقف شده بود و شعلههای آتش روز بعد خاموش شد. مسئولین کارخانه هیچ گونه لیستی از کارگران اجساد شناسایی نشده. بسیار از کارگران از استانهای دوردست چین برای کار آمده بودند. به فامیل بازمانده یک قربانی این آتش سوزی مبلغی معادل ۱۳۰۰ تا ۱۷۰۰ دلار (بابت خونیه) پیشنهاد شد. عدهای می خواستند سر این مبلغ با مسئولین محلی چانه بزنند. اما آنها که صدای اعتراضشان بیشتر از حد بلند شده بود سریعاً به محل زندگیشان در استانهای دیگر فرستاده شدند. وضع مجروحین این حادثه بهتر نیست.

نامه به سردبیر

نامعایی که به قصد درج در این ستون ارسال می شوند باید:

- ۱- کوتاه باشند
- ۲- ناپسندیده یا کاملاً خوانا باشند
- ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضاء محفوظ بماند

- کارگزار امروز در انتخاب و تلفیق نامعنا آزاد است.

اتحادیه های امیدواهی برای کارگران

سردبیر کارگر امروز! من حدود ۵ سال است که در کانادا زندگی می کنم و تا همین چند ماه پیش به کارهای معمولی که همه پناهندگان مشغول هستند مثل آشپزی - ظرفشویی، راننده تاکسی و غیره مشغول بودم. حدود ۷ ماه پیش اطلاع یافتم که یکی از کمپانیهای بزرگ که در خیلی از کشورهای دنیا منجمد کانادا و آمریکا شعبه خیلی کمتردهای دارد و نام آن "یونایتد پارسل سرورس" (یو.پی.اس) استخدام می کند! من بلافاصله رفتم و فرم استخدامی پر کردم. اتفاقاً به چند تا از رفقای خودم هم گفتم و آنها هم رفتند. بعد از حدود ۵ ماه انتظار بالاخره بهداز دوسری مصاحبه من را پذیرفتند و بسر کار رفتم. خیلی برام مهم و جالب بود که این کمپانی یک اتحادیه خیلی بزرگ بنام "تیمسترز" هم داشت. بعداً فهمیدم (بقول خود فعالین اتحادیههای کارگری کانادا) بجز مشت گانگستر و مافیایی بیشتر نیستند. خلاصه بعد از سه روز فرم پر کردن و انگشت نگاری و عکسبرداری و تعلیمات تئوری فشرده مسئول بکار شدم با این قرار که بمدت ۶ هفته بطور آموزشی و زیر ذربین خواهیم بود تا اگر بازدهی خوبی داشتیم و پاندازه کافی سودآور بودم من را نگه دارند و اگر نه که اخراج لازم بتذکر است که در آن ۶ هفته کمترین حقوقی که کمپانی می پردازد یعنی ۱۵/۷۵ دلار شامل حال من می شد و از هیچیک از مزایا مثل بیمه درمانی و بیکاری و غیره برخوردار نبودم و عضو اتحادیه هم بجزساب نمی آمدم. من هم با هزار امید و آرزو و یا این فکر که بالاخره یک کار ثابت و یا حقوق و مزایایی که شامل یک شهروند می شد یافتهام،

یک آتش سوزی کوچک

سرمایه داری منچستر در چین

دچار آتش سوزی شد و بیش از ۸۰ کارگر جان خود را از دست دادند و ۴۰ نفر دیگر بشدت صدمه دیدند. تعداد کمی از کارگران توانستند از آتش سوزی جان سالم بدر ببرند. ۹۰ درصد کشته شدهها و مجروحین زنان کارگر در سنین ۱۷ تا ۲۴ بودند. خوابگاههای کارگران، انبار و بخش تولید کارخانه در یک ساختمان جا داده شده بودند. دیوارهای انبار جمله "پ.فا.ث." ساخته شده بود. در ساختمان اثری از کپسولهای مخصوص خاموش کردن آتش نبود. در این کارخانه بارانی تولید می شد و از چندی پیش نیز بارانی کودکان، برای صدور به اروپا و آمریکا. مدیریت کارخانه دستور داده بود که درهای ورودی و خروجی کارخانه را از نیمه شب قفل کنند. طبق گفته مدیریت این امر برای جلوگیری از دزدی و نیز برای اینکه کارگران شبها بیرون از کارخانه "ولگردی" نکنند، صورت می گرفت. قفل بودن درها

تلخیص شده از: اکسپرس ماهنامه فعالیتهای سوسیالیستی در اتحادیه و کارخانه، چاپ آلمان

مصرف کننده غربی از تولیدات ارزان قیمت آسیای جنوب شرقی خرسند است. در جمهوری خلق چین سرمایه داران خارجی از شرایط استفاده می کنند که یادآور شروع سرمایه داری در انگلستان در قرنهای گذشته است. تریونی لوینگ، دبیر امور کارآموزی اتحادیه هنگ کنگ با گزارش زیر از یک آتش سوزی در یک کارخانه به افشای شرایط ضد بشری کار در کارخانههای تولیدات صادراتی در جمهوری خلق چین پرداخته است.

در نیمه شب روز ۳۰ ماه مه امسال کارخانه "شینگ یه راین کوت" واقع در استان چین جنوبی "گواندونگ" (در شهر "شی پای")

اعتصاب ۸ ساعته معدنچیان اسپانیا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۶ دسامبر، معدنچیان ناحیه "آستوریاس" واقع در شمال اسپانیا در اعتراض به بسته شدن معادن و بیکارسازی وسیع کارگران معدن دست به یک اعتصاب ۴۸ ساعته زدند. به گزارش روزنامه انگلیسی "ایندپندنت"، این اعتصاب که به فراخوان ۳۶ رهبر اتحادیه صورت گرفت از حمایت وسیع معدنچیان ناحیه برخوردار شد و بیش از ۲۰ هزار کارگر در آن شرکت کردند. در آغاز اعتصاب معدنچیان با پلیس ضد شورش درگیر شدند. ۳۶ فعال اتحادیه که بعنوان اعتراض

بیکار سازی در کمپانی ایوکو

فورد بریتانیا

مرکز خبری کارگر امروز: کمپانی کامیون سازی "ایوکو فورد" اعلام کرده است ۱۴۷ شغل این کمپانی بدلیل کاهش تقاضا برای محصولات این کمپانی، از بین خواهد رفت. به گزارش تایمز مالی، این کمپانی که در آغاز سال ۹۱، ۱۷۹۶ کارگر در استخدام داشت ۳۰ درصد از نیروی کارش را بیکار خواهد کرد و تعداد شاغلین را به ۱۲۵۰ نفر کاهش خواهد داد. ۱۰۰ نفر از کارگران اخراجی از میان کسانی خواهند بود که ساعتی دستمزد میگیرند و ۴۷ نفر از کسانی که حقوق ماهیانه دریافت می کنند. بدنبال عدم پذیرش پیشنهاد کارفرما، قرار است کارگران تراکتورسازی فورد در شهر "اسکس" در مورد آغاز اعتصاب برای افزایش دستمزد رای گیری کنند. کارفرما ۴ درصد افزایش دستمزد در سال اول و افزایش دستمزد براساس شاخص های قیمت و میزان فروش در سال های دوم و سوم قرارداد را پیشنهاد کرده است.

موج اعتصابات در بنادر فرانسه

مرکز خبری کارگر امروز: روز دوم ژانویه با اعتصاب ۴۸ ساعته کارگران بارانداز علیه طرح تجدید سازمان بنادر که به بیکاری ۱۷۶۰ کارگر بارانداز منجر می شود، اکثر بنادر فرانسه تعطیل شد. به گزارش خبرگزاری رویتر، این چهارمین اعتصاب کارگران پس از اعلام اجرای طرح از سوی دولت در ماه نوامبر است. با اعتصاب اخیر حرکت کشتی های باری در ماریسی بزرگترین بندر فرانسه و همچنین در بنادر "روئن" و "سن ریور" متوقف شد. به گزارش "سارا اصلاتی" همکار کارگر امروز در فرانسه، در روزهای اول و دوم دسامبر نیز کارگران بارانداز با فراخوان "ث.ژ.ت" اعتصاب کردند. در بعضی از بنادر اعتصاب با تظاهرات همراه بود. در بندر "روئن" ۷۰۰ کارگر بارانداز تصمیم به ادامه اعتصاب گرفتند. این اعتصاب پاسخی بود به طرح پیشنهادی دولت در مورد شرایط کار باراندازان که شرط راه اندازی و بازسازی بنادر را وجود ۳۵ درصد سود اعلام کرده است.

اعتصاب عمومی در سالگرد فاجعه بوپال در هند

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۳ دسامبر، کارگران در مرکز شهر بوپال برای یادبود فاجعه بوپال که در سال ۱۹۸۴ نشت گاز سمی از یک کارخانه باعث کشته شدن ۳ هزار نفر و مجروح شدن ۲۰۰ هزار نفر شد دست به اعتصاب عمومی زدند. به گزارش تایمز مالی، در روز اعتصاب مردم در خیابانها دست به تظاهرات زدند و با آسمون های متعدد تفر خود از "یو.سی.سی" و مدیر سابق آن "وارن اندرسن" که مسئول فاجعه بود را اعلام کردند. در ۲۰ نقطه شهر تظاهرات کنندگان تمثال "وارن اندرسن" را آتش زدند. عده ای از مردم در مقابل ساختمان کارخانه که از ژوئیه ۱۹۸۵ تعطیل شده

راهپیمایی ۷ هزار کارگر ساختمانی در سوئد علیه اخراج



مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۱ دسامبر، ۷ هزار کارگر ساختمانی سوئد در اعتراض به اخراج و بیکارسازی وسیع کارگران ساختمانی در شهر استکهلم راهپیمایی کردند. قرار است روز ۱۸ ژانویه کارگران ساختمانی در سراسر کشور دست به اعتراض بزنند. به گزارش "بیکنادز آرپی"، نشریه اتحادیه کارگران ساختمانی سوئد، در سال گذشته ۱۲ کمپانی بزرگ ساختمان سازی کشور مجموعاً بیش از ۶ هزار کارگر ساختمانی را بیکار کرده اند. پیش بینی می شود که در سال آتی در صنایع ساختمانی سوئد مجموعاً ۲۵ هزار نفر بیکار شوند.

۵ هزار کارگر یک کارخانه فولاد را در آلمان اشغال کردند

هینکزدورف است. تا سال ۱۹۸۹ در کارخانه فولاد ۸۸۰۰ کارگر مشغول بکار بودند. در هر دو کارخانه رویم ۱۶ هزار نفر از جمعیت ۲۵ هزار نفری شهرک هینکزدورف کار می کردند. وقتی ۸۰ تا ۹۰ درصد کارگران را اخراج کردند، انسان دیگر نمی تواند اینجا زندگی کند". در یک مجمع عمومی که در مقابل در اصلی کارخانه اشغال شده برگزار شد، نه تنها کارگران کارخانه بلکه محصلین مدارس هینکزدورف با معلمانشان و دیگر ساکنین محل جمع کرده بودند. هیئتای اعزامی از کارخانه فولاد براندنبورگ، کارخانه نورد اورانیورگ، که توسط کنسرن کرپ تصاحب شده بود و همچنین از کارخانه لکومتیو و صنایع الکتریکی و دیگر کارخانه های براندنبورگ نیز در محل مجمع عمومی حاضر بودند. نمایندگان ا.ک.م.تال و تعداد زیادی از اعضای شوراهای کارخانه در غرب آلمان مانند کارخانه ذوب آهن کوکندر در شهر برن، ضمن تشویق و تحسین کارگران قول دادند که از آنها حمایت کنند.

تخلیص شده از: نشریه کارگر نوین، ارگان اتحادیه کارگران سوسیالیست آلمان از ۲۳ نوامبر ۵ هزار کارگر، کارخانه فولاد "هینکزدورف" را در چند کیلومتری شمال برلین اشغال کرده اند. تولید کاملاً خوابیده است. از روز سه شنبه کارگران کارخانه های فولاد "براندنبورگ" نیز که قبلاً به این گروه کارخانجات تعلق داشتند، تصمیم به اشغال کارخانه گرفتند. این آکسیونها که مورد حمایت ا.ک.م.تال است هنگامی آغاز شدند که طبق تصمیم بنیاد خصوصی کردن کارخانجات دولتی در آلمان شرقی سابق، کارخانه های "هینکزدورف" و "براندنبورگ" قرار است به کنسرن ایتالیایی فولاد "ریوا" فروخته شود. فروش به ریوا، طبق آنچه که شورای کارخانه هم تاکید می کند، بمعنای نابودی بخش اعظم محلهای کار در کارخانه است. تقریباً چهار پنجم کارگران در دو کارخانه فولاد مذکور بیکار خواهند شد.

طرح آگ.م.تال

دبیر شورای کارخانه فولاد هینکزدورف، پتر شولتر، از بنیاد شکایت کرد که مانند یک "دولت در دولت" عمل می کند و صلح و آرامش را در این کارخانه های در حال کار درهم شکسته اند. بدنبال آن او طرح شورای کارخانه و ا.ک.م.تال را که

بقیه از صفحه اول جنرال موتورز . . .

خواهد شد. به گزارش تایمز مالی، قرار است تا آخر سال ۹۲، ۹ هزار شغل دفتری از بین برود و تعداد کارگران "یقه سفید" کمپانی به ۸۲ هزار نفر تقلیل یابد. سپس تا سال ۹۴، ۱۱ هزار کارگر دیگر بیکار شوند. تا آخر سال جاری ۱۵ هزار نفر از ۳۰۴ هزار کارگری که ساعتی دستمزد می گیرند بیکار می شوند. پیش بینی شده است که تا سال ۱۹۹۵، تعداد کل کارگرانی که ساعتی دستمزد دریافت می کنند به ۲۰۵ هزار نفر تقلیل

تظاهرات علیه انتقال موسسات در فرانسه

مرکز خبری کارگر امروز: اتحادیه های فرانسه با طرح انتقال بعضی از موسسات و بنگاهها به خارج از مرکز برای خلوت کردن پاریس مخالفت کردند. به گزارش "سارا اصلاتی" همکار کارگر امروز در فرانسه، در اعتراض به این طرح مجمع نمایندگان اتحادیه های ۴۰ موسسه برای روز ۱۹ دسامبر فراخوان به اعتصاب دادند. قبل از این فراخوان در روز ۱۵ سپتامبر، کارکنان کارخانجات محله "کوبلن" همراه با نمایندگان اتحادیه در پاریس دست به تظاهرات زدند. افراد خانوادها از جمله کودکان و بسیاری از ساکنین محله سیزدهم پاریس که در مجموع بالغ بر چند هزار نفر می شدند نیز در این تظاهرات شرکت کردند. بر روی پلاکاردهای تظاهرات کنندگان این شعارها به چشم می خورد: "من و پدرم در جایمان در محله کوبلن راحتیم". "ما اجازه نمی دهیم که خانوادهایمان از هم پاشیده شوند". "ما باهم باقی خواهیم ماند". "شغلای ما در محل تاریخی شان پابرجا خواهند ماند".

بقیه از صفحه اول پایان اعتصاب ۲۹ روزه فلزکاران شیلی

شد صورت گرفت. پس از معدنچیان کارگران راه آهن دولتی، خدمات درمانی و معلمین نیز برای افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. کارگران بخش خدمات دولتی به افزایش دستمزدی برابر با نرخ تورم دست یافتند اما اعتصاب کارگران معادن مس بی نتیجه ماند. اعتصاب اخیر در "هوچی پاتو" اولین اعتصاب کارگران این بخش پس از سال ۱۹۷۹ بود.

کارگاه امروز

رهبر اتحادیه سراسری کارگران فنلاند

پیرامون کاهش دستمزدها

این مقاله در واقع مصاحبه کامیابی است که با رهبر اتحادیه سراسری فنلاند انجام داده است. این مصاحبه می تواند تصویری از توجیهات رهبری "اف.اف.سی" در باره تصمیم بیسابقه کاهش سراسری دستمزدها که بسیاری از کارگران و حتی اتحادیه های فنلاند با آن مخالفند، بدست دهد. تذکر اینکه کاهش ارزش پول فنلاند که در این مصاحبه بعنوان تهدید و گروکشی علیه کارگران برای پذیرش کاهش دستمزدها اسمی قلمداد می شود، فی الحال بوقوع پیوسته است. دولت فنلاند هم دستمزدها را کاهش داد هم ارزش پول فنلاند را حدود ۱۲ درصد پایین آورد. (کارگر امروز)

از "ال.او. تیدنینگن" ارگان اتحادیه سراسری سوئد (ال.او) - "لوری ایپالاین" رئیس اتحادیه سراسری کارگران فنلاند، "اف.اف.سی" را در هفته پرماجرایی ملاقات می کنیم که "اف.اف.سی" مجبور شد تا خود داروی تلخ کذایی را فرو دهد: قراردادی برای سال ۹۳ - ۱۹۹۲ که در عمل بمعنی کاهش حدود ۳ درصد مزد کارگران فنلاند است. تصمیم گیری در اینباره بسیار سخت بود. وی با تأثر ادامه می دهد: "من قطعاً نمی توانم به این قرارداد ملامت کنم و جای تمجید نیست". حلقه های کبود پای چشم او از مذاکرات طاقت فرسا و بیخوابی روزهای اخیر خبر می دهد. اقتصاد فنلاند در کوتاه مدت بنیادهایش را از دست داده است. تجارت فنلاند به همراه سقوط اتحاد شوروی، از هم گسسته است. تولید ناخالص ملی فنلاند طی سال جاری ۵ درصد کاهش یافته، بیکاری به ۱۰ درصد افزایش یافته، بازار مالی به بحران دچار شده و سرمایه فنلاند به خارج از کشور می گریزد. در این اوضاع کارفرماها کاهش مزدی برابر با ۲۰ درصد طلب کردند و دولت محافظه کار راه حلهایی ارائه داد که مزدبگیران را نشانه رفته بود. این پیشنهادها با اجتماعات عمومی و

اعتراضات خشن مزدبگیران در خیابانهای پایتخت (هلسینکی) مواجه شد.

کاهش دستمزدها

"لوری ایپالاین" می گوید: "ما می توانستیم به این هم فکر کنیم که قرارداد یکساله صفر درصدی منعقد کنیم و در همان حال مزدبگیران سهم بزرگتری از مخارج صندوق بازنشستگی را بپردازند. با توجه به بحران جدی اقتصادی این می توانست برای اعضا توجیه پذیر باشد".

اما میانجیگر مذاکرات، پیشنهادی را بمان آورد که بسیاری از این فراتر می رفت. قراردادی که شامل ۵۶ درصد کاهش مخارج کارفرماها در سال آینده، ۳ درصد کاهش در مزدها و انجماد همین سطح از دستمزدها تا نوامبر ۱۹۹۳ می گردد. شایعات و تقاضای یک کاهش سریع و اجباری در ارزش مارک فنلاند، اتحادیه ها را در موقعیت انتخاب بین طاعون و وبا قرار داد.

رئیس اتحادیه سراسری فنلاند دلالت تصمیم دشوار خود را چنین برمی شمارد: سرمایه به خارج از کشور می گریخت و ما در مقابل تهدید یک بحران ارزی، کاهش ارزش پول و یک وحشت عمومی دست و پایی که هیچ کس جلودار آن نیست قرار داشتیم. وی می گوید که ما با

تصمیم رهبری "اف.اف.سی" در پذیرش قرارداد کاهش دستمزدها، چنین حقانیت بخشید که: بعد از تاملی طولانی اتخاذ شده، و بدون اینکه این بمعنی تغییری در جدول مزدها باشد. او با نگرانی می گوید: ولی این امکان هست که قرارداد سرنگردد. کارفرماها می خواهند وقتی که این قرارداد در رشته های مختلف و در سطح محلی پیاده می شود شرایط بازم بدتری را تحمیل کنند. تعدادی از اتحادیه های درون "اف.اف.سی" نیز با تردید بسیار به قرارداد کاهش مزد می نگرند. اتحادیه متال فنلاند می تواند با گفتن نه به این قرارداد، در توافقات بر سر دستمزدها شکاف اندازد. و خطر (یا امکان آن)، بسیار زیاد است.

اتحادیه متال سر باز میزند

متال از همراهی با این کاهش دستمزدها امتناع می کند. اما متال به دو فراکسیون تقسیم شده است. سوسیال دمکراتها و کمونیستهای سابق که حالا در اتحاد چپ هستند. اینکه متال و سایر اتحادیه ها عضو "اف.اف.سی" چه عکس العملی نشان می دهند در چند هفته آتی معلوم می شود. "لوری ایپالاین" فقط می تواند منتظر بماند و نظاره کند. این بنوعی شوخی سرنوشته است که وی درست حالا به میان این دو دستگی سیاسی، که سالها مهر خود را بر جنبش اتحادیه های فنلاند کوبیده است، رانده شده است. در تابستان گذشته، وی برای اولین بار بعنوان یگانه رهبر اتحادیه سراسری انتخاب شد. پیش از آن "اف.اف.سی" همیشه دو رئیس انتخاب می کرد. یک سوسیال دمکرات و یک نفر از حزب کمونیست یا چپ.

"اف.اف.سی" همچنین مرمانه ای برای اتحادیه تصویب کرد که بر اساس آن "اف.اف.سی" در آینده می بایست از احزاب مستقل باشد. "لوری ایپالاین" می گوید: مواضع و دیدگاههای اعضا ما تغییر کرده است، و این باید مورد توجه اتحادیه قرار بگیرد.

درهای باز

مجموعه چپ فنلاند، سوسیال دمکراتها

و اتحاد چپ، حمایت وسیعی در بین اعضا "اف.اف.سی" دارند. اما شمار اعضای که مایل نیستند به هیچ جنبش سیاسی وابسته شوند، در دهه ۸۰ و آغاز دهه ۹۰ افزایش یافته است. "لوری ایپالاین" معتقد است: با توجه به این باید اتحادیه این مسئله را در برابر خود بگذارد که می خواهد درهایش به روی همه گشوده باشد و سازمانی از لحاظ سیاسی غیر وابسته باشد.

بهمین علت مرمانه اخیر "اف.اف.سی" بر استقلال از احزاب سیاسی تأکید گذاشته است و در عوض اتحادیه "آماده است تا با احزاب سیاسی بر سر تمام مسائلی که به تقویت منافع مزدبگیران، برابری و عدالت اجتماعی مربوط باشد، همکاری کند".

نقش های متفاوت

آنجا که "اف.اف.سی" تأکید می کند که "با سازمانهای کارگری و سایر سازمانهایی که با آنها جهات مشترک داشته باشد، همکاری می کند"، این موضع جدید را بیش از پیش تدقیق می کند. "لوری ایپالاین" توضیح می دهد: احزاب و جنبش اتحادیه های نقشهای متفاوتی در جامعه دارند. "اف.اف.سی" یک جنبش اصلاح طلب است که می خواهد بر مسائل بیشتری در جامعه تأثیر بگذارد و فقط به دستمزده محدود نباشد. بهمین علت باید از احزاب سیاسی مستقل باشد تا بتواند یک سازمان صنفی قابل اعتماد بشود. این بسیار مهم است که اتحادیه از لحاظ اقتصادی و در فعالیت خود از تمامی نیروها مستقل باشد.

اما این بریدن ناکهانی از احزاب، برای "اف.اف.سی" خیلی ساده نیست. خصوصاً در این روزهای بحران اقتصادی و افزایش تورم در فنلاند. رئیس "اف.اف.سی" می گوید: بدیهی است که "اف.اف.سی" سنتا یک بخش جدایی ناپذیر از جنبش کارگری فنلاند است. اتحادیه و هر دو حزب چپ فنلاند تاریخاً دست در دست هم حرکت کرده اند. سرنوشته مشترک که اهمیت بسیار زیادی دارد.

اوضاع دشوار

"لوری ایپالاین" اضافه می کند: اینهم بسیار اهمیت دارد که وزن سیاسی جنبش کارگری فنلاند در آینده افزایش یابد. او اینرا در برابر این اوضاع عنوان می کند که امروز یک دولت بورژوازی بر فنلاند حکم می راند که در موارد متعدد سیاستی ضد کارگری را پیش می برد. وی می گوید: در شرایط کنونی حفظ منافع اتحادیه های بسیار دشوارتر است.

در واقع "اف.اف.سی" اکنون در دو جبهه می جنگد. هم علیه کارفرماها و هم علیه دولت که می خواهد از جمله هزینه پرداختی مزدبگیران برای صندوق بیکاری را از ۵ درصد به ۱۵ درصد افزایش دهد. رئیس "اف.اف.سی" توضیح می دهد: دولت می خواهد بنیه اقتصادی و سطح بالای سازمانیابی در اتحادیه های فنلاند را تخریب کند. همین اوضاع در سوئد برقرار است. از اینرو مفید است که "ال.او" و "اف.اف.سی" تبادل تجربه کنند.

"لوری ایپالاین" در اولین آزمون خود به مثابه رهبر اتحادیه سراسری، هفته های پاییزی پر کشاکشی را از سر می گذراند. او ناکهان سرپا می ایستد و آن روزی را که جنبش کارگری فنلاند چنان قوی و متحد است که بتواند دولت تشکیل بدهد، آرزو می کند:

بسیاری یک حزب

من تصور می کنم که ما در آغاز قرن بیست و یکم فقط یک حزب کارگری در فنلاند داریم که بر پایه سنن فکری سوسیال دمکراسی شمال اروپا بنیاد نهاده شده است. اما او تأکید دارد که این نظر شخصی اوست.

در این عقاید شخصی، اما، "کلاش آندرسن" رئیس حزب اتحاد چپ فنلاند شریک نیست: آنطور که من می بینم در آینده قابل پیش بینی انگیزه ایجاد یک حزب چپ در سوسیال دمکراسی وجود دارد.



زندگی غریبه هادر ژاپن

تلخیص شده از: لس آنجلس تایمز

مردم ژاپنی مقیم "اویزومی" است. هراس و ناراحتی مردم "اویزومی" از خارجیا از یکسو و نیاز مبرم صنایع به نیروی کار از سوی دیگر، مسئله وارد کردن نیروی کار از خارج را به بحث روز و مهم این کشور تبدیل کرده است.

در ژاپن کمبود نیروی کار (به دلالت: کاهش نرخ تولد، زیر بار نرفتن کارگران جوان ژاپنی در انجام "کارهای کثیف"، کندی پروسه ورود زنان به بازار کار) وجود دارد و این مسئله تهدیدی در کند کردن سرعت رشد شکفت انگیز اقتصادی این کشور است. بنابراین کارگران خارجی را بمنظور پر کردن این خلاء به این کشور آورده اند. حسابداران پاکستانی در جاده های ژاپن کارگری می کنند، برنامه نویس های کامپیوتر که اغلب ایرانی هستند در کارهای ساختمانی مشغول به کارند و حتی مدیران و صاحبان سابق شرکت های برزیلی اکنون به کار رنرگری قطعات مشغولند.

سالهاست که کارخانه های شهر "اویزومی" کارگران را از فقیرترین نقاط شمالی ژاپن به این شهر کشانده اند. نخستین بار در سال ۱۹۸۶ بود که افزایش ارزش "ین" به شکوفائی اقتصاد در کشور منجر شد و کمپانیها برای تأمین نیروی کار به کارگران مهاجر و غیرقانونی روی آوردند. در حال حاضر یگانگی میان کارگران ژاپنی و کارگران خارجی بسیار ناچیز است. خارجیا اغلب جدا از ژاپنی ها زندگی می کنند. تنها چند نفر از اهالی محلی "اویزومی" به دو

تلیخیص شده از: لس آنجلس تایمز "اویزومی"، ژاپن - آنها دوچرخه بیچها را می دزدند و دور کیوسک تلفن آویزان می کنند، "از پوست تیره آنها مورعورم می شود"، "آخر هفته آنها همیشه در پارک هستند و من سعی می کنم به آنها بر نخورم"، "آنها به مغازه می آیند، موز می دزدند و به خیارها گاز می زنند، این فرهنگ آنهاست"، "اگر تعداد بیشتری از آنها به ژاپن بیایند، مملکت خراب می شود".

اما خارجی ها همچنان به ژاپن خواهند آمد. بسیاری از آنها که برزیلی هایی هستند که اجدادشان ژاپنی بوده اند، برای کار در کارخانه های شهر "اویزومی" آورده اند که یکی از مراکز بزرگ صنایع ژاپن است. کارگران جوان ژاپنی حاضر نیستند ساعتهای طولانی در این کارخانه های تاریک کار کنند و صاحبان صنایع نیروی کار خارجی استخدام می کنند. در نتیجه "اویزومی" با ده درصد جمعیت خارجی بالاترین میزان جمعیت خارجی را در ژاپن دارد. نسل قبلی خارجی های "اویزومی"، کارگران کره ای و چینی بودند که در طی جنگ دوم جهانی مجبور به کار در این شهر شدند و بیش از نیمی از این کارگران چینی پس از چند ماه بر اثر سوء تغذیه جان خود را از دست دادند.

اما در حال حاضر حضور هزاران برزیلی، پاکستانی، نپالی، بنگلادشی و ایرانی در این شهر کاملاً مشهود است و بنظر می رسد که حضورشان مزاحم

رستوران برزیلی این شهر رفته اند و یا از فروشگاه های مواد غذایی پاکستانی خرید کرده اند.

در ماه ژوئن سال گذشته مقامات اداره مهاجرت شرایط ورود نیروی کار خارجی را محدودتر کردند اما راه گریزی برای راضی کردن صاحبان کارخانه ها که با کمبود نیروی کار مواجه بودند باقی گذاشتند. بدنبال قوانین جدید مهاجرت تعداد کارگران برزیلی بشدت افزایش یافت. کارگران خارجی با اصل و نسب ژاپنی می توانستند تحت عنوان "کارآموز" وارد شوند. استدلال مقامات این بود که این کارگران راحت تر می توانند در جامعه جاییفتند. بدنبال قوانین جدید، مدیر صنایع "اوکایاما" بلافاصله به برزیل سفر کرد تا برای چندین کمپانی کارگر برزیلی پیدا کند. او توانست ۱۴۰۰ کارگر برزیلی را راضی به کار در ژاپن کند. مجموعاً ۱۰۰ هزار کارگر برزیلی - ژاپنی پس از قوانین جدید مهاجرت در ژاپن به کار مشغول شدند.

کمپانیها مسکن کارگران را تأمین می کنند و مسئول اوراق اقامت قانونی آنها هستند. اما اغلب اجازه نمی دهند که کارگران خانواده هایشان را به ژاپن بیاورند. یکی از مسئولین کمپانیها می گوید: اگر بیچهای کارگران به اینجا بیایند ما مجبوریم پول اطاق اضافی بدهیم و این ما را تحت فشار می گذارد. او ادامه می دهد: کارگران برزیلی باید کاملاً جدا از ژاپنی ها زندگی کنند. زیرا آنها تا دیروقت بیدار می مانند و میمانی می گیرند. مقامات محلی یک کلوب رقص "سامبا" را تحت عنوان ایجاد سروصدای زیاد تعطیل کردند. خانم "کاتیا فرناندس" که یک کارگر نسل دوم برزیلی - ژاپنی است گفت: همه

به من می گفتند که ژاپنی ها بسیار مودب هستند و از تکنولوژی بالا برخوردارند. او لکهای قهوه ای ناشی از سوختگی بازوایش را نشان داد و گفت اینها بر اثر شتاب و فشار کار ایجاد شده است. کار او ایست که با سرعت تمام محصولات را از سینی های جوشان در باورد. او توضیح داد که یکبار وقتی در توالت بود مدیر کارخانه در توالت را باز کرد و به او دستور داد که به سر کار باز گردد. شوهر "کاتیا" که روزانه ۱۲ ساعت کار می کند می گوید: ما به اینجا آمدم چون فکر کردیم که چمن اینجا سبزتر است!

تغییرات در قوانین مهاجرت و ارجحیت کارگرانیکه اصل و نسب شان ژاپنی است برای کارگران غیرقانونی که با ویزای توریستی وارد شده و سپس مقیم کشور میشوند مشکلات بسیاری ایجاد کرده است. بسیاری از این کارگران از طریق کمپانیهایی که توسط کانگسترها اداره می شود وارد ژاپن شده اند. این کمپانیها بیش از نیمی از حقوق کارگران را تصرف می کنند. این کارگران چون غیر قانونیاند از هیچگونه خدمات و بیمه درمانی برخوردار نیستند و فرزندانشان نمی توانند در مدارس ژاپن تحصیل کنند. بهمین یک ایرانی که نمی خواهد نام فامیلی اش فاش شود می گوید مترجم کارگری بود که در حین کار ۴ انگشتش را از دست داد. کمپانی حاضر به پرداخت ۳۵ هزار دلار خسارت شد اما تیم بیشتر این پول صرف پرداخت صورتحساب بیمارستان گشت. به گفته بهمین کارگر مجروح راهی برای تأمین زندگی اش ندارد.

کارگران خارجی می گویند که آنها بطور اتوماتیک برای هر جنابیتی در شهر سرزنش می شوند. نرخ دستگیری

خارجیان به مراتب بالاتر از ژاپنی هاست. یک معلم دبیرستان معتقدند است که والدین در خانواده های ژاپنی فرزندانشان را از برقراری هرگونه ارتباط با خارجی ها می ترسانند. همانگونه که برای جلوگیری از نزدیک شدن کودکانشان به رودخانه، از هیولاهایی که در رودخانه زندگی می کنند حرف می زنند در مورد خارجیا از تجاوز حرف می زنند تا آنها را از "غریبه ها" دور نگه دارند.

افزایش کاری در ژاپن اجباری شد

مرکز خبری کارگر امروز: دادگاه عالی ژاپن در اختلافی که بین شرکت هیتاچی و یکی از کارگران این شرکت بر سر اضافه کاری اجباری پیش آمده بود بنبفع شرکت هیتاچی رای داد و باین ترتیب قانوناً هم اضافه کاری در ژاپن اجباری شد.

اخیراً یکی از کارگران هیتاچی که بعلت امتناع از اضافه کاری مدت دو هفته تعلیق شده بود با خودداری از عذر خواهی از مدیر شرکت که شرط بازگشتش به کار بود، اخراج شد.

شرکت هیتاچی از دادگاهی که به نفع بازگشت به کار کارگر موزور رای داده بود فرجام خواست و اینبار قاضی دادگاه عالی علیه این کارگر که در بخش مونتاژ رادیو کار می کرد رای داد و اعلام کرد که اگر شرکتی اضافه کاری را ضروری تشخیص دهد کارگران موظف به اضافه کاری هستند.

هر چند در ژاپن نیز نظیر بسیاری از کشورهای دیگر کارگران برای حفظ کار خود به اضافه کاری تن می داده اند اما این حکم که اضافه کاری را قانوناً اجباری کرده است، شکست مهمی برای طبقه کارگر ژاپن محسوب می شود.

کارگاه امروز

گفتگو با داگ آلن

درباره اتحادیه رانندگان کامیون در آمریکا



داگ آلن، ۶۲ ساله، که اخیراً بازنشسته شده است، ۳۵ سال عضو اتحادیه رانندگان کامیون در بخش ۲۸ لس آنجلس بوده است. وی نزدیک به ۲۰ سال برای رفیق در اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا فعالیت کرده و از بنیانگذاران جنبش رسمی و درولی اپوزیسیون این اتحادیه بنام "رانندگان کامیون برای اتحادیه دموکراتیک" (تی.دی.یو) است. داگ آلن درباره این اتحادیه با علی جوادی همکار کارگر امروز در آمریکا گفتگویی انجام داد که بخشهایی از آنرا خواهیم خواند.

*** کارگر امروز:** اتحادیه رانندگان کامیون آمریکا کی تشکیل شد؟ تعداد اعضای آن چقدر است و چه نوع کارگرانی را در بر می گیرد؟
*** داگ آلن:** این اتحادیه در سال ۱۹۰۲ تشکیل شد. ابتدا اعضایش عمدتاً رانندگان کامیون شرق کشور بودند، اما بعداً دیگر مناطق آمریکا را نیز در بر گرفت و وقتی جیمی هوف رئیس اتحادیه شد اولین قرارداد سراسری رانندگان کشور به امضا رسید. تصویب قرارداد سراسری یکی از بهترین کارهایی بود که اتحادیه انجام داد. ۱۵ سال پیش اعضای اتحادیه نزدیک به ۲۳ میلیون نفر بود.
 وقتی "جیمی هوف" رئیس اتحادیه شد یکی از بهترین قراردادهای را منعقد کرد و برای دفاع از منافع کارگران مبارزه سختی را پیش برد. اشتباه اعضا این بود که از جیمی هوف یک خدا ساختند. هر چیزی که او می گفت حتی اگر اشتباه بود یک کار درست تلقی می شد. به گمانم سال ۱۹۶۰ بود که جیمی هوف اسانسانامه "آی.یو.تی" را عوض کرد. با تغییر اسانسانامه رئیس اتحادیه و اتحادیه سراسری کنترل تام بر اتحادیه‌های محلی یافتند. بعد از جیمی هوف دیگر کسی را نداشتیم که مثل او برای اعضای اتحادیه فعالیت کند. هم اکنون "آی.یو.تی" اتحادیه‌ای است که تلاش می کند دستمزد مسئولین دفتری را افزایش دهد و کارگران را در

اولین کنگره سه هدف برای فعالین مشخص شد. اول، این تشکیک باید توده‌های کارگر را دربرگیرد. دوم، اسانسانامه "آی.یو.تی" باید تغییر کند. سوم، انتخاب کارگران به مسئولین اتحادیه در سطح محلی در سراسر کشور که آنها بنوبه خود بتوانند بعنوان نماینده در مجمع عمومی شرکت کنند و در تغییر اسانسانامه نقش داشته باشند. دو خواسته مهم ما حق رای برای انتخاب مسئولین اتحادیه سراسری و حق رای برای انتخاب نمایندگان مستقیم مجمع عمومی بود.

از دیگر فعالیتهای ما در "تی.دی.یو" بسیج کارگران و ترویج در میان آنهاست. ما به آنها نشان می دهیم که چگونه با اتحاد می توانیم از پس مشکلات برآییم. ما یک سازمان کمکهای اولیه نیستیم. سازمان ما می خواهد تغییری که لازم است در این اتحادیه داده شود را متحقق کند.

در اسانسانامه "تی.دی.یو" پاراگرافی وجود دارد که جوهر و اساس آن اینست: کسی نمی تواند از "تی.دی.یو" برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کند. ولی در عین حال اسانسانامه چاری کسی را بخاطر پیشبرد عقاید سیاسی اش نمی گیرد. تلاشهایی برای تغییر این پاراگراف صورت گرفته است. همه می خواهند از "تی.دی.یو" برای مقاصد دیگر بجز تغییر در خود اتحادیه استفاده کنند. من می دانم و معتقدم که اتحادیه رانندگان کامیون و کلا یونیونیسزم در این کشور و در تمام دنیا به چیزی بیش از "تغییر" احتیاج دارد، ولی ما گروه کوچکی هستیم. ما فقط ۱۰ هزار نفریم و مشکلات مالی فراوان داریم. به همین دلیل اهدافمان باید مشخص باشد. هدف ما تغییر "آی.یو.تی" است. دقیقاً به همین علت باید حواسمان باشد که از مسیرمان خارج نشویم و به راست و چپ نزنیم، وگرنه از هدف اصلی مان دور می شویم.

سازمان ما برای تحقق این هدف در سال ۱۹۷۶ تشکیل شد. البته کارهای دیگری هم کرده‌ایم. بطور مثال، یک مخالف سیستم تصویب قرارداد توسط دو سوم اعضا بودیم. "ران کاری" (که عضو "تی.دی.یو" نیست، ولی با ما کار می کرد) پروتئست علیه اتحادیه در رابطه با قرارداد و تغییر سیستم دو سوم به سیاست اکثریت آرا درست کرد و ما هم از او حمایت کردیم. ولی متأسفانه نتوانستیم سیستم را به سیستم اکثریت آرا تغییر بدهیم.

بعداً در جلسات عمومی بحثهایی از قرارداد را می خوانند ولی همه مذاکره آن را رو نمی کردند. هیچ عضو معمولی اتحادیه هیچوقت خود قرارداد را ندیده است. اعضا اوراق رای مربوط به تصویب قرارداد را از طریق پست دریافت می کردند، و آرای خود را هم با پست ارسال می کردند بدون آنکه هیچوقت خود قرارداد لعنتی را دیده باشند.

هیچ وقت بحثی در این باره نمی شد. راستش چیزی هم نبود که در باره اش بحث شود. "تی.دی.یو" تا کنون چندین بار اتحادیه سراسری را بعزت محروم کردن کارگران از شرکت در پروسه مذاکره و انعقاد قرارداد تحت تعقیب قرار داده و دادگاه هم به نفع آن رای داده است. ما امیدواریم که وضع از این هم بهتر شود. الان اتحادیه مجبور است (امیدواریم این التزام اتحادیه را در نشست بعدی آن هم وارد کنیم) که یک نسخه از قرارداد پیشنهادی را در اختیار کارگران قرار دهد، و کارگران هم باید حداقل ۲۲ ساعت برای مطالعه و تبادل نظر بر سر آن فرصت داشته باشند و تنها پس از طی این مراحل درباره آن رای دهند.

*** ک.ا.:** تاریخچه و اهداف "تی.دی.یو" چیست و تاکنون چه دستاوردهایی داشته است؟
*** د.آ:** شانزده سال قبل در سراسر کشور رانندگان زیادی بودند که متوجه نیاز به تغییری در اتحادیه شده بودند، خود من یکی از این کارگران بودم. راستش با یک نفر دیگر سعی کردیم در منطقه لس آنجلس یک تشکیک از پایین درست کنیم. هیچکدام از ما تحصیلات نداشتیم، نمی دانستیم چگونه می شود این کار را کرد و توفیق چندانی هم بدست نیاوردیم. تا اینکه در سال ۱۹۷۵، تشکیک بنام "رانندگان برای انعقاد قراردادهای شرافتمندانه" درست شد. کمی پس از ایجاد این تشکیک خیلی از ما که فعال اتحادیه بودیم در این تشکیک دخیل شدیم. خیلی از ما به این مسئله واقف بودیم که برای تغییر اوضاع به ایجاد یک جریان توده‌ای در خود اتحادیه رانندگان احتیاج داریم. این تنها روشی بود که از طریق آن می توانستیم اعضای اتحادیه را در حیات آن دخیل کنیم و به این اعتبار امکان وقوع تغییری را که لازم بود، از جمله تغییراتی در اسانسانامه اتحادیه، فراهم کنیم. ۶۰ نفر بودیم که به "کلینولند" و "اوهایو" رفتیم و "رانندگان کامیون برای اتحادیه دموکراتیک" را ایجاد کردیم. در

انجام می دادند که اتحادیه سراسری می خواست. مسئولین خوب هم همینطور بودند، چون در غیر اینصورت بعداً یک بلایی سر اتحادیه محلی می آمد. راههای دیگری هم برای کنترل اتحادیه وجود دارد. اتحادیه سراسری شورای عمومی و کنفرانس ها را کنترل می کند. شورای عمومی تعداد زیادی از مسئولین اتحادیه‌های محلی را کنترل می کند و مسئولین محلی، نمایندگان اتحادیه در محل کار را کنترل می کنند. ۱۱ نفر خود را کاندید مسئولیت اتحادیه کردند، یکی از آنان را از پشت چاقو زدند و دو نفر را هم بشدت کتک زدند.

*** ک.ا.:** مسئولین بالای اتحادیه چگونه انتخاب می شوند؟
*** د.آ:** تا امروز مسئولین اتحادیه سراسری توسط نمایندگان حاضر در کنگره انتخاب می شدند، و نه توسط اعضا. تا به امروز ۷۵ درصد نمایندگان کنگره مسئولین اتحادیه‌های محلی بوده‌اند. این دفعه وضعیت متفاوت است. در کنگره ژوئن سال ۱۹۹۱ هر نماینده مستقیماً توسط اعضای اتحادیه محلی انتخاب شد.

*** ک.ا.:** چه پروسه‌ای باعث این تغییر شده است؟
*** د.آ:** این مسئله به ۲۰ سال قبل برمی گردد. موقعی که من و خیلی کسان دیگر متوجه اشکال کار اتحادیه شدیم. مشکل از اسانسانامه اتحادیه ناشی می شد. از زمانی که ما تشکیک رانندگان کامیون برای اتحادیه دموکراتیک (تی.دی.یو) را در سال ۱۹۷۶ تشکیل دادیم، مدام برای تغییر اسانسانامه تلاش کرده‌ایم. شانزده سال است که ما تلاش می کنیم تا مسئولین اتحادیه سراسری توسط خود کارگران انتخاب شوند و اعضا بتوانند نمایندگان نشست سراسری اتحادیه را خود انتخاب کنند.

دولت آمریکا اتحادیه سراسری را بعزت نقض "قانون مربوط به تشکیکهای فاسد و اخاذی کن" تحت تعقیب قانونی قرار می داد. اتحادیه سراسری بالاخره یک توافقنامه‌ای را امضا کرد که به موجب آن سه نفر که منتصب دادگاه بودند حق داشتند به امور اتحادیه نظارت کنند.

*** ک.ا.:** روال تصویب قراردادها چگونه است؟ کارگران در مورد آنها چگونه اظهار نظر می کنند؟
*** د.آ:** تا همین اواخر کمیته‌ای که مسئولیت مذاکره با کارفرما را داشت، یک توافقنامه پیشنهادی تهیه می کرد و آن را برای یک سری از مسئولین اتحادیه در نقاط مختلف کشور می فرستاد. مسئولین محلی اتحادیه

غیرهاند. در این شرایط هر چه کارفرما بخواهد انجام خواهد داد. تا زمانی که کارگران متشکل نیستند، نورتون خواهد توانست کارگران متشکل را علیه کارگران غیر متشکل، دستمزد در کانادا را علیه دستمزد در مالزی و نیروی کار کشورهای مختلف را به رقابت وادارد، بدون اینکه سودی برای کارگران باشد، لذا نمایندگان کنفرانس در اولین قدم قانون "عبارت خنثی" را تصویب کردند. در این قانون نورتون باید در هر شرایطی نقشی خنثی داشته باشد تا کارگران خودشان تصمیم بگیرند که اتحادیه تشکیل بدهند یا ندهند. در واقع نورتون حق هیچ دخالت نظری و نفوذی را ندارد. در پایان همچنین تصمیم گرفته شد تا در سال ۹۲ برای اعلام همبستگی کارگران توماری را که خلاصه اهداف در آن درج می باشد را در یک روز معین (که تاریخش اعلام خواهد شد) به مدیریت تسلیم دارند. نمایندگان کنفرانس با یک هدف مشترک جلسه کنفرانس را ترک کردند و آن اینکه نورتون باید بپذیرد و برسمیت بشناسد که یک مسئولیت اجتماعی در قبال کارگران کانادا و سراسر دنیا دارد. دخالت نورتون برای جلوگیری از متشکل شدن کارگران باید خاتمه یابد.

از ۹۳ روز پیروز شدند. ولی از فوریه ۱۹۸۷ نورتون طی یکسال هزار کارگر را اخراج کرد و در نتیجه اتحادیه کارگران منحل شد. در بریتانیا کارگران برای برسمیت شناختن اتحادیه مبارزه کردند و کمپانی تنها در یک بخش به آن تن داد. در کانادا وضع متفاوت است. بعزت همبستگی ۳ اتحادیه بزرگ سی.ا.دبلیو (اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا)، سی.دبلیو.سی (اتحادیه کارگران الکترونیک) و سی.دبلیو.ا (اتحادیه کارگران ارتباط آمریکا) اعصاب کارگران در سال ۱۹۸۹ پیروز می شود. طی این ماجرا، اعلامیه‌های متوالی برای اعضا فرستاده شد و همچنین باب وایت رهبر سی.ا.دبلیو. و فرد یومروی رهبر سی.دبلیو.سی از کارگران آمریکا حمایت کردند. سی.دبلیو.ا بعد از اعصاب اعلام کرد که اگر این اتحاد و همبستگی نبود کارگران ما حتما تعویض می شدند و پروانه اتحادیه بازپس گرفته می شد، یعنی منحل می گشت. در سراسر دنیا، اکثریت کارگران نورتون از حق تشکیل اتحادیه محروم هستند. بدون اتحادیه کارگران فاقد حق مذاکره بر سر دستمزد، مزایا و

کاهش یافت. کارگران در کشورهای مختلف خواسته‌های متفاوت دارند، در کانادا مبارزه برای حفظ شغل موجود و بهبود شرایط کار، در انگلستان برای برسمیت شناختن اتحادیه و در مالزی برای کسب حقوق ابتدائی کارگران. در دهه اخیر نورتون فعالیتهای خود را به جنوب آمریکا منتقل کرده است چرا که تعداد کارگران اتحادیه‌ای در آنجا کم است. یعنی حدود ۳ درصد از ۲۳ هزار کارگر کمپانی در آمریکا اتحادیه‌ای هستند. نورتون سیاستهای آشکار ضد اتحادیه‌ای دارد که حتی توطئه‌هایی ترتیب می دهد تا از تشکیل اتحادیه جلوگیری شود. در مالزی از ۱۹۸۰ تا حال کمپانی دو شعبه بزرگ داشته است. نورتون همیشه از قانونی که در مالزی وجود دارد مبنی بر ممنوعیت تشکیل اتحادیه برای کارگران الکترونیک، حمایت و سوءاستفاده کرده است. با اینحال کارگران تلاش کرده‌اند تا متشکل شوند. در سال ۱۹۸۸، کمپانی تهدید کرد که چنانچه کارگران فعالیت برای تشکیل اتحادیه را ادامه دهند کارخانه را به چین منتقل خواهد کرد. در ترکیه بعد از شکست مذاکرات بر سر قرارداد دسته جمعی در سال ۱۹۸۶، کارگران کمپانی به اعصاب کارگران اتومبیل سازی پیوستند و بعد

گردهمایی نمایندگان ۱۱ اتحادیه کشورهای مختلف در کانادا

نورتون یک امر نامناسب است". این سخنان رئیس هیئت اجرایی نورتون تله کام است که در ۵ فوریه ۱۹۹۰ ایراد کرده است. در حالیکه نورتون تله کام بین‌المللی و جهانی شده است، کارگران هر کشوری مبارزه می کنند تا یک زندگی متعارف بدست بیاورند. در دهه ۸۰ نورتون بسرعت رشد کرد. در سال ۱۹۸۱ کارگران آن در کشورهای مختلف ۳۵۴۰۰ نفر بود که تعداد آنها در سال ۱۹۹۰ به ۶۳۲۵۰ نفر رسید. این کمپانی تولید خود را بیشتر در اروپا، آسیا و آمریکای لاتین متمرکز کرد. در حالیکه نرخ رشد کارگران کانادایی ۹ درصد بود، ولی این نرخ در اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی به رشد باور نکردنی ۸۳۴ درصد رسید. این کاهش کارگران کانادایی فقط از طریق اتوماسیون، انتقال کمپانی به خارج از مرزهای کانادا و بستن شعبه‌هایش در کانادا ممکن شد. در سال ۱۹۸۱ این کمپانی در کانادا ۳۰ شعبه داشت که به ۲۱ شعبه در سال ۱۹۹۰

تلفیص شده از: نشریه همبستگی بین المللی از انتشارات اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا

نمایندگان ۱۱ اتحادیه در ۸ کشور آسیایی، اروپایی، آمریکای جنوبی و آمریکای شمالی که تشکیک کارگران کمپانی چند ملیتی نورتون تنه‌کام هستند در روزهای ۲۴ و ۲۵ اکتبر سال ۹۱ در تورنتو در یک گردهمایی شرکت کردند. ۲۰ سال پیش نورتون تله کام یک کمپانی متوسط کانادایی با درآمد نیم میلیون دلار بود که بعدها خود را به آمریکا، اروپا و کشورهای جهان سوم، جایی که در غیاب تشکیک کارگران، کار ارزان بدست می آید، گسترش داد. در حین این دو دهه نورتون درآمدش را در هر ۵ سال دو برابر کرد و اکنون چهارمین کمپانی ارتباطات دنیاست که درآمدش بالغ بر ۷۰۰ ۳۶۸ ۰۰۰ دلار آمریکاست. "مرز و دیوارهای بین‌المللی برای

گفتگو باباب مک کلاوسکی

پیرامون اعتصاب پرستاران در آمریکا

باب مک کلاوسکی از رهبران اتحادیه پرستاران و کارکنان خدمات اجتماعی که با ۴۵ هزار عضو بزرگترین اتحادیه منطقه لس آنجلس می باشد،

است. علی جوادی همکار کارگر امروز در آمریکا پیرامون اعتصاب موقتی که اخیراً این اتحادیه سازماندهی کرد با باب مک کلاوسکی گفتگویی داشت که تلخیص شده آنرا خواهید خواند.

کارگر امروز: وضعیت عمومی کارکنان چگونه است؟

باب مک کلاوسکی: در تمام بخشها کمبود پرسنل وجود دارد. در عرض ۵ - ۶ سال گذشته کسی استخدام نشده است. در بخش بهداری بطور مثال، ۱۰۵۹ پرستار بطور نیمه وقت کار می کنند. به کسی اجازه نمی دهند تمام وقت کار کند زیرا نمی توانند با بخش خصوصی رقابت کنند.

تعداد حوادث ناشی از شرایط بد کار در بخش اداری افزایش یافته است. اخیراً یک نفر در اثر خراب شدن یک دستگاه جان خود را از دست داد. شرایط کاری باید بهبود پیدا کنند. کمپین قرارداد کار که ما هم اکنون در دست داریم نباید فقط درباره افزایش دستمزد و هزینه اجتماعی باشد بلکه باید خواست شرایط ایمنی بهتر در محیط کار را نیز جزو خواستههای خود قرار دهد. بطور مثال نصب تلویزیونهای ایمنی، حجم کمتر کار و احترام بیشتر برای کارکنان و دخالت دادن آنها در تصمیم گیریها.

باب مک کلاوسکی: درباره صدمات ناشی از فشار کار بزرگوار می گویند. گفتید که شغل وجود دارد ولی کسی را استخدام نمی کنند. این یعنی کارکنان با شدت کار بیشتری کار می کنند.

باب مک کلاوسکی: بله. کارکنان بخش بهداری و امور خدمات اجتماعی با شدت کار بالایی کار می کنند. مثلاً در بخش امور اجتماعی مراجعات خیلی زیاد است و در نتیجه فرصت کافی برای پیشبرد این امور با کیفیت خوب وجود ندارد و اشتباه نیز زیاد اتفاق می افتد. بطور مثال، کمک هزینه اجتماعی به کسانی داده می شود که نباید کمک دریافت کنند. در بیمارستانها و کلینیکها ۱۰۵۹ محل خالی شغل وجود دارد و کسی را استخدام نمی کنند. در نتیجه بخشهایی از بیمارستان "ال اس یو سی اس" بسته شده و بخش اورژانس بیمارستان هاروی "یو سی ال ا" بجای ۲۴ ساعت فقط ۱۲ ساعت در روز باز است. این تاثیر مستقیم بر مردم می گذارد. درجه رسیدگی پزشکی به بیماران بیمارستانها کم است و در موارد اضطراری می تواند به مرگ منجر شود.

باب مک کلاوسکی: افزایش دستمزدها چه؟

باب مک کلاوسکی: دستمزد امسال پرستاران ۶ درصد، سال دیگر ۷ درصد و جمعا ۱۳ درصد افزایش یافت که بنظر ما کارمندان وارد شده بود را قبول

باب مک کلاوسکی: ترکیب و نوع کارگرانی که عضو اتحادیه اند چگونه است؟

باب مک کلاوسکی: تعداد زیادی زن، اقلیت های ملی از قبیل آفریکو آمریکایی، آسیایی، آمریکای لاتینی، و کارگرانی (مادران یا پدرانی) که به تنهایی از فرزندانشان نگهداری می کنند، هستند. اینها برای بهبود وضعیتشان مبارزه کرده اند. ولی در پروسه کمپینی که در دست داریم متوجه شدیم که بسیاری از این دستاوردها پس گرفته شده اند. بنظر ما اگر وضعیت کارگران لس آنجلس که ما آنها را نمایندگی می کنیم وخیم شود تاثیر مستقیمی بر وضعیت اقتصادی اقلیتهای ملی هم خواهد گذاشت.

باب مک کلاوسکی: ممکن است درباره اعتصاب و خواستههای اخیر کارگران و درجه تحقق آنها بپرسیم؟

باب مک کلاوسکی: یکی از مهمترین مسائل و خواستهها بیمه پزشکی بود. اگر چه هزینه بیمه پزشکی افزایش یافته اما پولی که شرکتها می بدهند باید به مردم بدهند زیاد نشده است. حفظ سطح بهداشت اعضای اتحادیه یکی از مهمترین مسائل بوده است. موقف شدیم از طریق اعتصاب فشاری که به ما وارد آمده بود را خنثی کنیم. دولت را وادار کردیم که هزینه امور پزشکی اعضای اتحادیه را تا سال ۱۹۹۴ افزایش دهد و تامین کند. این شامل همه اعضای خانواده می شود. این دستاورد روش مبارزه جویانه ما بود. مستقیم به مسئولین دولتی رجوع کردیم و گفتیم که ما حاضر نیستیم کاهش در بیمه پزشکی را قبول کنیم. ما خواستار بیمه مناسب و کافی برای همه کارکنان هستیم. ما خواهان افزایش ۳۰ تا ۶۰ دلار در ماه بیمه پزشکی سیستم "اچ.ام.او" و ۱۲۰ دلار افزایش خسارت بودیم. در نتیجه پرستاران و کارکنان اداره امور اجتماعی دست به اعتصاب زدند و از این طریق نشان دادیم که حاضر نیستیم این فشارها را تحمل کنیم و پیروز شدیم.

باب مک کلاوسکی: افزایش دستمزدها چه؟

باب مک کلاوسکی: دستمزد امسال پرستاران ۶ درصد، سال دیگر ۷ درصد و جمعا ۱۳ درصد افزایش یافت که بنظر ما کارمندان وارد شده بود را قبول

کند. این هیات به زنان و اقلیتهای ملی حمله کرد که کاملاً تکانهنده بود. ما نیز با خشونت با آنها برخورد کردیم.

باب مک کلاوسکی: آیا قرارداد به تصویب رسیده است؟

باب مک کلاوسکی: قرارداد پرستاران به رای گیری گذاشته شده است و تصویب نهایی آن امروز صورت می گیرد. قراردادهای دیگر را هم به رای خواهیم گذاشت.

باب مک کلاوسکی: دادگاه حکمی علیه پرستارانی که در اعتصاب بودند صادر کرد. موضوع چه بود؟

باب مک کلاوسکی: حکمی از طرف دادگاه در اولین روز اعتصاب پرستاران صادر شد. این حکم بعد از شکایت دولت محلی مبنی بر به خطر افتادن جان بیماران صادر گشت. ما معتقدیم دولت محلی خود با منتقل نکردن بیماران این خطر را بوجود آورد. پرستاران با بی اعتنایی به حکم دادگاه به اعتصاب خود ادامه دادند. این روحیه مبارزاتی اعتصاب کنندگان را نشان می دهد. همه از دست دولت محلی خسته شده بودند. این مبارزه برای پول زیاد نیست. مبارزه بر سر خدمات پزشکی برای مردم است.

باب مک کلاوسکی: اهمیت این پیروزی در شرایطی که دولت مرکزی و محلی به کارکنان فشار وارد می کنند چیست؟

باب مک کلاوسکی: این پیروزی چه تاثیری بر جنبش کارگری منطقه لس آنجلس و کل کشور دارد؟

باب مک کلاوسکی: اولاً، باید فساد و حیف و میلی که در ردههای بالای بخش خدمات وجود دارد را افشا کنیم. ریچار دیکسون ۶ میلیون دلار برای تجدید دکوراسیون دفترش خرج کرده است، ۵۲ میلیون دلار بابت سیستم جدید کامپیوتری داده است، مبلغ زیادی به شرکتها خصوصی داده اند که بخشهایی از خدمات اجتماعی را بگردانند، پولهای کلانی بابت پاداش به مدیران داده اند، هیات بازرسان میلیونها دلار بابت خرید لیموزینهای ضد گلوله برداشته است و همشانش راننده دارند که دستمزدهایشان بیشتر از پرستاران است. این نوع حیف و میل و فساد باید نزد مردم افشا شود. این کاری بود که ما کردیم و یکی از موفقیتهای کمپین بود.

باب مک کلاوسکی: ما می دانیم که دولت پول دارد و آنرا پنهان کرده است زیرا مخارج فوق ریچارد دیکسون و ۱۴۰ میلیون دلاری که بعداً بابت بیمه پزشکی به اعضای اتحادیه ما تعلق گرفت آنرا ثابت می کند. سیاستمداران اشک می ریزند که پول ندارند در صورتیکه دارند و جای دیگری خرج می کنند. سوءاستفاده از بودجه عمومی رواج دارد. این بودجه باید به جیب کارکنان و شهروندان بروند زیرا اینها هستند که کارها را انجام می دهند و حقشان است.

باب مک کلاوسکی: ما از همان اول اخطار دادیم که در مقابل این فشارها و حقه بازی ها مقاومت می کنیم. مسئله دیگری که

در این وضعیت رکود اقتصادی خوب بود. سایر کارکنان طی دو سال آینده بین ۳ تا ۵ درصد افزایش دستمزد دریافت می کنند. دولت مجبور شد مبلغ ۱۴۰ میلیون دلار برای بهبود هزینه بیمه پزشکی مردم خرج کند. هم اکنون برای افزایش بیشتر آن مبارزه می کنیم. کسی که خانوادگی بیمه است باید ماهانه ۴۱ یا ۳۲ دلار بپردازد. با قرارداد جدیدی که ما امضا کردیم این ۴۱ دلار ژانویه سال ۹۲ به وی برمی گردد. به عبارت دیگر این هم خود نوعی افزایش دستمزد است. این مبلغ برای یک نوع دیگر بیمه ۶۰ دلار است. بنابراین دستمزد کسانی که ۴۱ دلار بهشان برمی گردد عملاً ۲ درصد به دستمزدشان اضافه شده است.

باب مک کلاوسکی: از چه تاکتیکی برای اعتصابتان استفاده کردید که منجر به پیروزی کمپین شد؟ همبستگی کارگران چقدر بود؟

باب مک کلاوسکی: همبستگی بین کارگران عالی بود. در اولین روز اعتصاب پرستاران، ۶۵ درصد آنان در صف پیکت بودند. در اعتصاب کارکنان بخش رفاه اجتماعی ۷۸ درصد در پیکت شرکت کردند. از آنجا که اتحادیه ما کارکنان و کارگران بخشها و دیپارتمانهای مختلفی را نمایندگی می کند می بایست یک تاکتیک زنجیره ای اتخاذ می کردیم. اول با اعتصاب پرستاران شروع کردیم. یک هفته بعد کارمندان بخش امور اجتماعی دست به اعتصاب زدند. سپس کارکنان مکانیک و رانندگان کامیون به اعتصاب پیوستند. استراتژی مبارزه زنجیره ای، فشار به دولت محلی از طرق و بخشهای مختلف ولی در یک جبهه متحد بود. ما می خواستیم اتحاد بخشهای مختلف کارمندان و کارگران این منطقه را بنمایش بگذاریم. همه در مبارزه برای خدمات پزشکی بهتر شرکت داشتند و موفق شدیم. ما نشان دادیم که حاضریم با دست از کار کشیدن دولت محلی را در منگنه قرار دهیم. و این باعث شد که به مسئولین سخت بگذرد ولی مردم پشتیبان ما بودند. این پشتیبانی بخصوص در مقطع اعتصاب پرستاران محسوس بود زیرا خواستههای اعتصاب مستقیماً به رفاه مردم مربوط می شد. بسیاری از سیاستمداران و جریانهای سیاسی نیز از مبارزه ما دفاع کردند زیرا می دانند که ما برای بهبود کیفیت خدمات اجتماعی تلاش می کنیم. تنها راه رسیدن به این هدف تحقق خواستههای کارکنان، افزایش دستمزدها و جبران کمبود پرسنل است. یکی دیگر از خصوصیات مبارزه ما جنبه مبارزه جویانه آن است. ما توانستیم مردم را در خیابانها بسیج کنیم و در مقابل مسئولین به اعتراض بکشانیم. علاوه بر تاکتیک زنجیره ای، چندین تظاهرات در مقابل دفتر هیات بازرسان داشتیم. در این تظاهرات هزاران نفر شرکت کردند. تظاهرات در روزهایی که هیات بازرسان جلسه داشت برگزار شد و تظاهرکنندگان می خواستند که هیات بازرسان مسئولیت عواقب این فشارهایی که به کارمندان وارد شده بود را قبول

بیکار خواهند شد). بنابراین با چشم انداز جنگ تجارتي در بازار جهانی فولاد کنسرن توسن هرگز نمی توانست پیش بینی کند که ظرفیت تولیدی خود را افزایش دهد.

اوج نوبتی در مبارزه طبقاتی

اتحادیه فلزکاران آلمان (ا.گ.م) که در گذشته بعلت تصمیم هیئت اجرایی آن دایر بر اشغال کارخانه بطور غیر قانونی محکوم شده بود، این بار هم آکسیون اشغال در هیننگزدورف و براندنبورگ را حمایت می سازماندهی کرده است. زیرا می خواهد حمایت رشد یابنده کارگران شرق آلمان را در موج اخراجهای توده ای که در پیش است، برای خود

ارائه داد. که نه تنها قول سرمایه گذاری بیشتری را می داد (۲۰۰ میلیون مارک در مقابل ۱۴۰ میلیون مارک که مورد موافقت کنسرسیوم توسن قرار گرفته بود) بلکه همچنین در بلند مدت فولاد زیادتری تولید می کرد (۲۴ میلیون تن فولاد در سال در مقابل ۱۵ میلیون تن طرح توسن). به این ترتیب در بلند مدت ۱۰۰ محل شغلی بیشتر تضمین می شد. کنسرن توسن که ظاهراً می خواست کمتر از ۷۰۰ محل کار را از بین ببرد و در آغاز تنها ۳ هزار کارگر را نگهدارد، خود در غرب آلمان در همین زمان دست به بیکار سازیهای وسیعی زده است (تا سپتامبر ۹۲ چیزی حدود ۲ تا ۳ هزار کارگر در کارخانجات توسن در غرب آلمان

ما در آن پیروز شدیم هزینه پارکینگ بود. دولت محلی می خواست ماهانه ۵۰ تا ۶۰ دلار از همه بگیرد. ما مقاومت کردیم و تا دو سال همه از پارکینگ مجانی برخوردار شده اند. این هم خود یک افزایش درآمد حساب می شود.

وسایل ارتباط جمعی در این مورد تبلیغات زیادی راه انداختند ولی ما نشان دادیم که به این سادگی ها عقب نمی نشینیم. ما بدین وسیله به همه کارکنان منطقه نشان دادیم که دولت پولهایش را پنهان می کند، هرگونه بحث بر سر اینکه پول نداریم بیخود است و همه کسانی که خواستار افزایش دستمزد هستند باید به مبارزه خود ادامه دهند. کمپین ما همچنین نشان داد که همه باید متحد شوند تا بتوان بودجه دولتی را بهتر توزیع کرد. ما هر روزه شاهد ساختن زندانها از یکطرف و بستن مدارس از طرف دیگر هستیم. از یکطرف شاهد دفاع چرخ بوش از تولید بمب افکنهای "بی ۲" در جنگ ستاره گان و اختصاص بودجه بیشتر به ارتش هستیم و از طرف دیگر خدمات پزشکی و برنامه مبارزه علیه اعتیاد کاهش می یابد. بجای جستجو برای علت فقر، جنایت و کمبود خدمات پزشکی، آدمها را به زندان می اندازند و اجازه می دهند مریضان در بیمارستانها بمیرند و کلا به نیازهای مردم جواب نمی دهند.

باب مک کلاوسکی: این مبارزه را باید به جبهه های بزرگتری منتقل کرد، به عبارت دیگر مبارزه با دولت مرکزی برای اختصاص بودجه بیشتر. این سیستم را باید از بالا تا پایین تغییر داد.

باب مک کلاوسکی: چه دستاوردهایی در زمینه بسیج و سازماندهی کارگران داشتید؟

باب مک کلاوسکی: کارگران در این کمپین بر قدرت دیگر مبارزه را مبارزه خود می دانستند، در آن شرکت کردند و به صف تظاهرات آمدند. کارگران احساس قدرت کردند. این قدرت به محلهای مختلف گسترش یافت، تعداد زیادی به اتحادیه پیوستند و در کمیته های مبارزاتی فعال شدند. ما الان در موقعیتی قرار گرفته ایم که رهبران عملی و کارگری زیادی را می توانیم بسیج کنیم. همه متوجه شدند که اتحادیه را آنها تشکیل می دهند و می توانند شرایط را تغییر دهند. اعضای اتحادیه ما احساس اتحاد می کنند.

باب مک کلاوسکی: آیا مایلید نکته دیگری اضافه کنید؟

باب مک کلاوسکی: بله. بنظر من کاری که اتحادیه ما کرد نشاندهنده رهبری مبارز و توانا در جنبش کارگری بود. کاری که بدون قدرت توده های کارگر انجام پذیر نبود. ما نشان دادیم که نباید در مقابل ادعاهای دولت مبنی بر کمبود بودجه و رکود اقتصادی سر فرود آورد. باید قوی بود و مستقیماً به مدیریت حمله کرد. باید مبارزه را مانند روش مبارزه جنبش کارگری در سالهای ۲۰ و ۳۰ یعنی مبارزه در محل کار و در سطح جامعه و برای مسائل اجتماعی و سیاسی پیش برد. ما نشان دادیم که با اتحاد، این شکل از مبارزه انجام پذیر است.

زمان یک گردهمایی در مقابل بنیاد فروش کارخانجات دولتی در این شهر برگزار شد. بخصوص رهبری ا.گ.م. متال نگران آن است که یک خیزش انقلابی در شرق آلمان با مبارزات کارگری و طبقاتی در غرب درآمیخته شوند. دهها هزار کارگر در کارخانه فولاد هوش در دورتموند آماده بودند که بخوابانها بریزند و علیه تهدید به اخراج ۱۰ هزار نفر در اثر ادغام کروپ - هوش مبارزه کنند. در منطقه سکن در تورد راین وستفالن کارگران معدن اشغال کارخانه را سازماندهی کردند و این در اعتراض به همکاری رهبری اتحادیه شان با حکومت محافظه کار در نابودی محلهای کارشان بود.

در همان حال مراقب است که این اقدامات مبارزاتی گسترش نیابند و به یک مبارزه مشترک علیه اخراج و بیکار سازی در کارخانه های شرق آلمان تبدیل نشوند. بنابراین در روز گردهمایی تعداد زیادی آکسیونهای اعتراضی دیگر نیز صورت گرفت که هر کدام جدا از دیگری بودند. کارگران کارخانجات نورد فینو، کارگران چرتقیل سازی ابرز والد که علیه تعطیل کارخانه خود مبارزه می کنند، در طول گردهمایی در کارخانه هیننگزدورف از سوی ا.گ.م. متال به یک آکسیون اعتراضی مقابل در بنیاد مرکزی فروش کارخانجات دولتی در برلین فرستاده شده بودند. در لایپزیک یک آکسیون بستن خیابان صورت گرفت و در همان

بقیه از صفحه ۵
هزار کارگر یک کارخانه...

فولاد "زار" و همچنین کارخانه فولاد هامبورگ مورد پشتیبانی قرار گرفته بود. این چند کمپانی آلمانی که در مناقصه خرید کارخانه هیننگزدورف شرکت کرده بودند، مناقصه را به شرکت ایتالیای ریوا باختند. بنیاد فروش کارخانجات بخش دولتی آلمان شرقی اعلام کرد که آماده پشتیبانی کند. او تحویل به امثال کنسرسیوم توسن را بدلاک اقتصاد رد کرد. کنسرن ریوا طرح سودمندتری

درباره سازمان جهانی کار (آی.ال.او)

(قسمت سوم)

۵- کنفرانس بین المللی کار

کنفرانس بین المللی کار مهمترین ارکان سازمان بین المللی کار است. این کنفرانس در واقع اجتماع سالانه نمایندگان دولتها، کارفرماها و اتحادیهها تقریبا تمامی کشورهای دنیا برای تنظیم مقررات بین المللی ناظر بر بازار کار سرمایه داری است. این درست که هیات اجرایی و مدیر کل "آی.ال.او" دارای اختیارات اجرایی وسیعی اند، اما تمامی تصمیمات اساسی و تصویب اسناد "آی.ال.او" بر عهده کنفرانس بین المللی کار است و لذا آشنایی دقیقتر با این ارکان وظایف و مقررات کار آن ضروری است. آنچه در زیر می آید بخشی از کتاب "یئورکی ویهاما" کارشناس با سابقه "آی.ال.او" بنام "درباره سازمان بین المللی کار" است که در واقع معرفی جوانب گوناگون "آی.ال.او" به زبان خود این سازمان است. ترجمه این کتاب که بخش سوم آن در این شماره کارگر امروز درج می شود توسط همکاران "مصطفی صابر" صورت گرفته است. قسمت اول مبحث کنفرانس به توضیح عمومی کنفرانس بین المللی کار می پردازد و بخش دیگر که در شماره آینده درج خواهد شد به کمیسیونهای مختلف کنفرانس اختصاص دارد که بنوبه خود پیکره اصلی کنفرانس بین المللی کار را تشکیل می دهند.

۱- وظایف عمومی

اهم وظایف کنفرانس بین المللی کار عبارت است از:
الف) آماده کردن، بحث کردن و تصویب گیری در رابطه با معاهدات و توصیههای "آی.ال.او"، علی القاعده طی دو اجلاس متوالی.
ب) بررسی مسائل کار و امور اجتماعی دارای شمول جهانی، بر اساس گزارش سالانه‌ای که توسط مدیرکل ارائه می گردد، بدون آنکه الزاما قصد تنظیم قواعدی مورد نظر باشد.
ج) بحث و تصویب گیری در باره قطعنامه‌های مربوط به فعالیت آتی و اقدامات بعدی "آی.ال.او".
د) تصویب بودجه دو ساله "آی.ال.او" و بازرسی از (نحوه) تحقق آن، همچنین بررسی و تصویب نقشه فعالیت یکساله این سازمان.

۲- ترکیب کنفرانس

هیاتی که یک کشور عضو به جلسات کنفرانس می فرستد، متشکل از چهار نماینده است که دو نفر دولت، یک نفر کارفرماها و یک نفر مزدبگیران کشور مذکور را نمایندگی می کنند. هر نماینده بطور کامل از حق بیان و حق رای در کنفرانس برخوردار است. نمایندگان کارفرماها و مزدبگیران مستقل از نماینده دولت کشور خود و همچنین مستقل از یکدیگر حقوق خویش را مورد استفاده قرار می دهند. نمایندگان می توانند حداکثر دو کارشناس و یا مشاور در هر موضوع دستور جلسه همراه داشته باشند. هرگاه موضوع جلسه به زنان مزدبگیر مربوط باشد، حداقل یکی از مشاوران شرکت کننده در کمیسیون مربوطه باید زن باشد. کارشناسان می توانند بنا به تقاضای نماینده مربوطه در جلسه بحث عمومی کنفرانس اجازه صحبت داشته باشند، و یا یکی از آنها بنا به خواست نماینده مذکور به جای وی رای دهد.

نمایندگان کارفرماها و مزدبگیران و همچنین مشاورین آنها باید در تفاهم با آن سازمانهایی برگزیده شوند که پیش از همه کارفرماها و مزدبگیران را در سطح ملی نمایندگی می کنند. البته در صورتیکه چنین سازمانهایی در کشور عضو موجود باشد. هرگاه صلاحیت یک نماینده و یا کارشناس تأیید نشود، موضوع در کمیسیون تأیید صلاحیت برگمارده از جانب کنفرانس بررسی می گردد. کنفرانس می تواند بعد از ارائه گزارش کمیسیون مذکور صلاحیت نماینده فوق را با رای اکثریت دو سوم نمایندگان حاضر متقاضی شرکت در کنفرانس رد کند. اگر یک کشور عضو از برگزیدن نماینده یکی از طرفین - کارفرمایان و یا مزدبگیران - قصور ورزد، نماینده طرف دیگر نیز حق رای نمی گیرد. این امر آنگاه نیز که صلاحیت هر یک از نمایندگان طرفین رد می شود، مصداق دارد. همچنین اگر تعهدات کشوری در پرداخت کمک به "آی.ال.او" برای مدت طولانی معوق مانده باشد، حق رای می تواند از تمامی هیات اعزامی کشور مذکور سلب گردد.

۳- دستور جلسه

مسائلی که می بایست کنفرانس بین المللی کار در برنامه خویش قرار دهد در دستور جلسه‌ای می آید که توسط هیات اجرایی "آی.ال.او" تهیه و تصویب می شود. یک به آن پیشنهادی که از طرف دولت یک و یا چند کشور عضو و یا از جانب سازمانهای رسمی بین المللی مطرح گردد، توجهی خاص مبذول می شود. این نیز وظیفه هیات اجرایی است که همراه تعیین دستور جلسه، دفتر بین المللی کار را برای تنظیم نهایی پیشنهادات در مورد معاهدات و توصیههایی که تحت بررسی قرار می گیرد، و نیز قطعنامههایی که از این رهگذر لازم می آید، راهنمایی کند. پیشنهاد برای دستور جلسه باید چهار ماه قبل از شروع کنفرانس بین المللی کار به هر کشور عضو تحویل شود، و مقامات مربوطه باید آنرا به نمایندگان انتخاب شده اطلاع دهند. دولت هر کشور عضو می تواند مخالفت خود را مبنی بر اینکه ماده‌ای در دستور جلسه آورده شود، اعلام کند. این درخواست کتبا به مدیر کل ارائه و باید بلافاصله جهت اطلاع به سایر دولتها داده شود. حتی اگر ماده‌ای به این ترتیب تأیید نگردد، می توان آنرا از طریق رای مثبت دو سوم نمایندگان متقاضی شرکت در کنفرانس در دستور جلسه حفظ کرد. از سوی دیگر اجلاس عمومی کنفرانس می تواند با همان اکثریت رای دهد که موضوع دیگری به دستور کنفرانس بعدی بین المللی کار منتقل گردد.

۴- هیات رئیسه کنفرانس

کنفرانس یک رئیس و سه نایب رئیس برای هدایت کار خویش برمی گزیند. در عمل و تقریبا همیشه رئیس از بین نمایندگان دولتها انتخاب می شود. از معاونین یکی باید نماینده دولت یک کشور عضو باشد، و یکی توسط نمایندگان کارفرماها و از بین خودشان و بهمین طریق یکی از گروه مزدبگیران انتخاب می شود. رئیس و یا در قیاب وی یکی از معاونین، به

کنفرانس بین المللی کار می بایست تقریبا بطور منظم نشستهای عمومی ویژه‌ای نیز برای دولتمردانی که مهمان آن هستند برگزار کند. اینگونه دیدارها نشانه ارج گذاری بر کار "آی.ال.او" در بالاترین سطوح رهبری کشورهای عضو است.

۶- سخنرانی در مباحثات

نماینده و یا کارشناسان منتخب می توانند از حق صحبت خود در کنفرانس بین المللی کار، طبق لیست تقاضا برای ارائه سخنرانی، استفاده کنند. عموما یک سخنران، اگر کنفرانس به او اجازه صحبت ویژه ندهد، تنها یک بار، و در صورتی که شخصی مذکور خود مبتکر طرح مساله باشد، دو بار حق صحبت پیرامون یک موضوع را دارد. تذکرات آئینهای و تذکر توضیحاتی شامل این محدودیت نمی شود. یک سخنرانی، در صورتیکه کنفرانس وقت بیشتری ندهد، حداکثر می تواند ۱۵ دقیقه باشد. رئیس جلسه می تواند با مشورت با معاونین خود، وقت صحبتها را بسته به موضوع حتی از این هم فشرده تر کند.

قاعدده عمومی وقت صحبت ۱۵ دقیقه‌ای در مورد وزیران مهمان و یا نمایندگان سازمانهای بین المللی صادق است. از افراد اخیر، نمایندگان سازمانهای بین المللی رسمی خود بخود حق صحبت دارند در حالیکه نمایندگان سازمانهای غیر رسمی و ناظرین بعد از کسب اجازه می توانند صحبت کنند. این (قاعدده) همچنین شامل نمایندگان جنبشهای رهاهی بخشی که به کنفرانس دعوت شده‌اند می گردد. با وجود این سخنرانی گروههای نامبرده تنها می تواند به گزارشات هیات اجرایی و دبیر کل بپردازد. در قیال مسائل مربوط به اداره جلسات که می تواند موجب شادابی مباحثات و یا در عوض آشفته‌گی آن گردد، رئیس جلسه باید بلافاصله در تصمیم بگیرد و ابتکارات ویژه در جریان بحث بفرج دهد. رعایت تمام و کمال آئین نامه جلسه و سایر مقررات مربوط به جریان مباحثات، به هنری ظریف می ماند.

۷- اتخاذ تصمیم

تصمیمات کنفرانس بین المللی کار قاعداً از طریق اکثریت نسبی آرا اتخاذ می گردد. استثنا آن مواردی است که در اساسنامه سازمان، یا در یک معاهده و یا هر سندی که به اختیارات کنفرانس ربط پیدا کند، تعیین گردیده‌اند. در اینگونه موارد باید رای گیری عموماً از طریق ثبت اسامی نمایندگان برای تعیین دقیق اکثریت صورت گیرد. این رای گیری باید دو سوم آرا را در بر گیرد. به این ترتیب که از مجموع نمایندگان حاضر آنهایی که له یا علیه پیشنهاد مذکور رای داده‌اند، در اکثریت منظور می شوند. و برعکس نمایندگان حاضری که از رای دادن خودداری کنند، و یا غایبیتی که موضع خود را نسبت به موضوع مذکور اطلاع نداده باشند، در شمارش اکثریت محسوب نخواهند شد. نتیجه رای گیری را قاعده دیگری موسوم به "حد نصاب" تکمیل می کند. بنا به این قاعده پیشنهادی که مجموع آرا له و علیه آن از نصف کل تعداد نمایندگان حاضر در کنفرانس کمتر باشد، به تصویب نخواهد رسید. از آن مواردی که بنا به اساسنامه "آی.ال.او" اکثریت مطلق دو سوم طلب می کند و رای گیری مشروط است به ثبت اسامی و یا اینکه روش اطلاع دادن موضع، می توان اینها را برشمرد. پذیرش عضویت یک کشور غیر عضو سازمان ملل در سازمان بین المللی کار (ماده ۱ بند ۴ اساسنامه)، عدم تأیید صلاحیت یک نماینده و یا

کارشناس (ماده ۳ بند ۹ اساسنامه) کرسی دفتر بین المللی کار (ماده ۶ اساسنامه). بودجه و تصمیم گیری در مورد کمک کشورهای عضو و پرداختی های آن (ماده ۱۳ بند ۲ اساسنامه). حق رای برای نماینده یک کشور عضو که در پرداخت حق عضویت خویش کوتاهی کرده است (ماده ۱۴ بند ۴ اساسنامه) تصمیم گیری علیه حذف یک ماده از دستور جلسه که یک کشور عضو یا آن مخالف است (ماده ۱۶ بند ۲ اساسنامه). تصمیم گیری در مورد انتقال یک ماده به دستور جلسه کنفرانس بعدی (ماده ۱۶ بند ۳ اساسنامه). تصویب نهایی قطعنامه یا معاهده (ماده ۱۹ بند ۲ اساسنامه). تغییر اساسنامه (ماده ۱۶ اساسنامه). در این مورد باید اکثریت دو سوم همچنین شامل رای حداقل ۵ کشور مهم صنعتی و بنابراین عضو دائمی گروه دولتها در هیات اجرایی باشد. طبق آئین نامه کنفرانس، رای گیری از طریق ثبت اسامی در موارد معینی رسمیت دارد. در اینگونه موارد اکثریت قاطع آرا همیشه ضروری نیست. این مواردی چنین است:

در مواقعی که رئیس جلسه به نتیجه آرا از طریق دست بلند کردن اطمینان ندارد، تصمیم به اخذ رای از طریق ثبت اسامی می گیرد (آئین نامه ماده ۱۹ بند ۴).

هنگامی که دستکم ۹۰ نماینده و یا رئیس یکی از گروهها (دولتها، کارفرماها و مزدبگیران) و یا نماینده تام الاختیار او تقاضای رای گیری از طریق ثبت اسامی کنند. در این دو موارد باید تقاضا بلافاصله بعد از اخذ رای از طریق دست بلند کردن مطرح شده باشد (آئین نامه ماده ۱۹ بند ۶).

وقتی که در رای گیری از طریق بلند کردن دست حد نصاب لازم بدست نیاید، و در صورتیکه رئیس و یا حداقل ۲۰ نماینده بلافاصله خواهان رای گیری از طریق ثبت اسامی شوند (آئین نامه ماده ۲۰ بند ۲). وقتیکه نه از طریق بلند کردن دست به حد نصاب نرسد و رای گیری مجدداً در صورت پذیرد. با این وجود، طبق بند دوم ماده ۱۹ اساسنامه، اعمال این روش در مورد تصویب قطعنامه یا توصیه ممکن نیست.

در رای گیری از طریق ثبت اسامی، هم نتیجه رای گیری و هم رای هر نماینده در صورت جلسه کنفرانس به ثبت می رسد. در رای گیری از طریق دست بلند کردن نتیجه به ثبت می رسد که در آن چگونگی رای هر نماینده مشخص نیست. کنفرانس همچنین می تواند تصمیم به رای گیری مخفی توسط برگه‌های رای بپذیرد. با اینهمه این روش بسیار بندرت استفاده می‌شود و به مسائل حساس سیاسی محدود می گردد.

۸- صورت جلسات کنفرانس

مذاکرات و تصمیمات هر نشست - که قاعداً دو بار در روز برگزار می شود - بدقت زیاد در صورت جلسات کنفرانس گزارش می شود. علی القاعده صبح روز بعد نسخه پیش نویسی از صورت جلسه به زبانهای انگلیسی، فرانسوی و اسپانیایی در دسترس خواهد بود. این نسخه که در پایان کنفرانس به صدها برگ خواهد رسید، علی القاعده فقط نیاز به تنظیم جزئی برای انتشار بموقع به عنوان صورت جلسات کنفرانس دارد. گزارشات کمیسیونهای مختلف کنفرانس و پیشنهادات رسیده برای معاهدات و توصیهها قبلاً و بعنوان بخشهایی از پیش نویس صورت جلسات منتشر می گردد. اینها پیش از پایان کار کمیسیون مربوطه بدقت مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

On the US nurses' strike

Interview with Bob McCloskey

Bob McCloskey is the chief negotiator for the registered nurses and the supervisory registered nurses in the Service Employees International Union (SEIU) Local 660, Los Angeles. He is also full-time business agent-organiser for health care workers. Ali Javadi, Worker Today co-worker in the US, talked to Bob McCloskey about the Local's recent successful contract campaign over health care insurance and pay increases for county workers. Excerpts:

Worker Today: What workers does your union represent?

Bob McCloskey: In the health service division we represent a large number of health care workers, clerical staff, medical technologists, patient financial service workers, and other employees besides the health care division: librarians, court reporters, clerical employees, blue-collar workers, truck drivers, accountants, and a whole range of county employees. We are the largest union in the county representing 44,000 workers out of the approximately 75,000 county workers.

WT: Could you talk about the general condition of the workers?

B.M.: The departments throughout the county are in fact short staffed; they haven't been filling vacancies over the last 5 or 6 years. In the health care division, for instance, the registered nurses are working short of 1059 full-time vacancies which they cannot fill at the moment because they are not as competitive as the private sector to compete for the nurses. The eligibility workers in the department of social services are also working very short staffed. The health and safety conditions need to be improved in the blue-collar sectors. Recently there has been a number of accidents in the blue-collar sector, including the death of a worker at a dam due to the improper use of equipment. So our working conditions vary, but all in all, there are a lot of improvements that need to be made throughout the county. Our contract campaign not only addresses salary and health benefits, but also safety and health. We are fighting for adequate case loads and nurse-to-patient ratios in the health care section. Case loads in the case of the eligibility workers, and trying to get more dignity and respect for the county workers through shared decision-making and looking at a whole range of issues.

WT: Could you talk about the specifics of the job-related stress among the county workers. You mentioned that there are a lot of vacancies. Basically that means that the workers are working at faster rates.

B.M.: It is basically a work speed up for many of our employees, particularly in the Department of Social Services (DPSS) and in health services. In DPSS the eligibility workers are responsible for too many cases. As a result there is not as much quality assurance in their work. Due to the vacancies in the nursing area

there have been work closures in some medical centres. So it has a direct impact on the public. The public is suffering especially in the health section; when you are in the hospitals you may not get enough nursing care, safe adequate care and in a crisis situation you could face death in fact. And for the nurses this means that their licenses are often in jeopardy due to the fact that they simply have too many patients to take care of.

In the blue-collar areas, we're finding that there are equipment that need to be upgraded. As I mentioned earlier the death at the dam was the result of using improper equipment. The county had failed to spend the proper money to get the kind of crane and hoist necessary to lift that employee out. These are the types of problems that we are facing not only in certain areas but throughout the county.

WT: Could you talk about the composition of the workers that are represented by your union?

B.M.: Many of the workers that we represent are women and so-called minorities - the emerging majorities in the LA county: African-American, Asian, and Latino employees. Many of them are single parents. We represent a large work force in the county that has had the opportunity for affirmative action in the past and the opportunity to make a better wage. But as we went into this contract campaign we saw that many of the gains that we had made in the past are being turned around. We believe that the working people in the LA county that we represent, represent the community, and are the community in fact. If we were to see the county workers becoming impoverished it would have a dramatic impact on the economies in the so-called minority communities as well.

WT: What were the specific issues in the recent strike, demands, and to what extent were you able to achieve them?

B.M.: One of the big issues was health benefits and health and dental insurance. Although the cost of medical and dental insurance continues to rise, the county hasn't kept pace with the premium increases. Safeguarding health and dental care for our represented employees was really an important issue. We were able to feed back the county's attack on that end through our rolling work actions and our strikes. We were able to force the county to come up with significant increases to cover the health insurance premium rate hikes and in fact provide fully-paid

coverage for all our employees through 1994. We got that because we did take a militant approach in our contract campaign. We took the county head on. We said we are not going to take the cuts in the health benefits any more; we demand that we receive fair and adequate health coverage for our employees. We were able to convince the county that the county employees were not going to take this. And we won.

WT: What were the strike tactics that you used which were different from the previous ones? How was the level of solidarity and support of the rank and file?

B.M.: The rank and file support was great. When the nurses struck, we had over 65% of the nurses on the picket lines on the first day. In the eligibility workers' strike, 70 to 80 per cent of them were participating. What we had - because we represent so many workers in so many different departments - was a series of rolling actions. First was the nurses going out on strike, with the eligibility workers going out a week later. We did have rolling actions in our yards, by our maintenance workers; the blue-collar sector went out on different days of the week. The strategy of the rolling actions was to put the pressure on the county from all the different departments, to have a united front of all the workers we represent. Because we are so diversified, we wanted to show unity across the board among all our workers. By being successful at that we were able to show the county that people were willing to withhold their labour to put the squeeze to the county, in the sense that we hurt them in their ability to produce services and we were able to gain popular public support particularly around the nurses focussing on public health, the crisis in health care and the impact on the public of the staffing shortages. We were able to build support from the political community and community groups as well. We had a very militant approach by just taking people out on the streets to put the pressure on the county.

In addition to the rolling work action, we had several very large demonstrations at the board of supervisors, bringing thousands of people down there on the meeting dates of the board, demanding that they take responsibility for their attacks on county workers. We believe that Dixon and the board were going after county workers, were rolling them back from affirmative action, were basically attacking women and minorities. So we had to be very aggressive with them. Finally they did see our way. In fact we had to force them to see our way.

WT: Could you talk about the significance of this victory at the time that the state and county boards are attacking the county employees, and what does it mean for the other sections of the working class in the LA and across the US?

B.M.: I think, number one, in the public sector we have to expose the waste and corruption at the top. Richard Dixon had spent six million on an office remodel, they had spent 52 million dollars on a new computer system in the

Department of Health Services. They spent a fortune on contracting-out services, a lot of money on bonuses for mid-level managers, money on bullet-proof limousines for the board of supervisors. And they all have chauffeurs and make more money than the nurses. This is the kind of waste and corruption we need to expose to the public. So I think that was one major victory that came out of this campaign. What it showed was that you can use workers' power combined with the fact that the money is there for salary increases and to protect workers' benefits, but it is being misdirected and misspent by the bureaucrats. The county has an 11.3 billion dollar budget. It is a question of these politicians and elected officials crying broke when in fact they are not so broke that they can't supply marble top desks and expensive chauffeur-driven limousines for the elected representatives.

Another big issue we defeated this year was the paid parking plan. The county had wanted to charge the employees through a disincentive program, upto 50 to 60 dollars a month, which would be another pay cut. We were able to roll that back in. We now have free parking for the next two years.

We did get some help from the media focusing on all this waste. So that played into our hands. But we were able to take advantage of that and capitalise on the existing conditions. So when you see state workers, and when you see other employees taking pay cuts, we are saying you've got to stand up and say that you guys have got to find the money, because we know you are hiding money. We were able to show that in the county. But I think it also shows that the workers need to unite and fight the federal and state government for more funding. Pete Wilson is building more prisons and cutting the schools and George Bush is supporting the B2 bomber and the Star Wars and the different military programs, they are cutting health services right here in LA county, and they are cutting drug rehabilitation programs. Instead of really looking at the cause of poverty, the cause of crime and

the cause of poor health care, they are going about it the wrong way. They just want to lock people up. They want to basically allow people to die in these hospitals and clinics rather than really addressing their basic fundamental needs. So we need to turn our priorities around. I think when county workers see now that the future is to take this fight to the larger fronts, to the federal government and the state government for more funding, we're going to turn this system around, from the top down.

WT: What do these achievements mean in terms of organising campaigns and efforts to unite more workers?

B.M.: We believe that workers became empowered in the struggle. They felt it was their fight; they were involved in it; they were out on the line; they went out into the street; they were at the demonstrations. They really felt power. And that power itself has spread to a lot of people in this county. People are joining the union. They are getting involved in our committees. They want to move the agenda forward. So right now we are able to motivate and recruit more shop stewards and more leaders because of this campaign, because the people really felt they did it. They are the union, and they did this. Our union members feel really united around the struggles. So they have a definite agenda to move this struggle forward.

What Local 660 did shows that through militant leadership we can move things forward in the labor movement, but that that can only be done through the empowerment of the work side, not being afraid to take management on, even though they claim there is a recession and there is no money. We have to just not buy that argument. We have to be strong, we have to take management on, in an approach that labor used to take in the '30s and the '20s, in that you not only fight in the workplace, you fight in the community, you fight for social issues, and you fight at the political level as well.

In the Persian Section

The Persian section of this issue includes:

• Article on the gathering of delegates from 11 unions in Canada
• interview with Doug Alan from TDU
• article on wage cuts in Finland
• interview with

metal workers in Iran
• article on the ILO article on steel plant occupation in Germany
• remembering Qazvin unemployed movement in Iran
• article on the conditions of workers in China
• articles on the life of foreign workers in Japan

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of
 Six months One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
 WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
 WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates

Europe:
 1 Year SKr120
 6 Months SKr70

Elsewhere:
 1 Year SKr180
 6 Months SKr100

• Institutions double the rate

• All prices include p&p.

Bringing barriers down

Interview with Jane McKay

Jane McKay is a member of the General Council of the Scottish Trades Union Congress (STUC) and its current Chairperson. She is also a member of the General Council of the Transport and General Workers Union (TGWU) in Britain. Maryam Koosha, from *Worker Today's* News Service staff, talked to Jane McKay at the annual conference of the European Network of the Unemployed in Scotland. The interview was given in personal capacity. Excerpts:

Worker Today: Could start by telling us generally about the condition of the working class in Scotland?

Jane McKay: Since the Tory government came to power 12 years ago under the leadership of Margaret Thatcher, there has been an eroding of working class wages and conditions, and an eroding of what we term the social wage - for example the way people work and live, the environment, the availability of public transport, of services such as clinics and hospitals, for children, for women, and for the elderly. Added to that, the Conservative government have during the various terms of parliament introduced anti-trade union legislation which has curtailed the activities of trade unionists and the workers and eroded their rights. This of course has had effects on wages and conditions, and is also connected with the problem of unemployment. There is also a big area which we should take into consideration, and that is the thousands of people who are low-paid, who are on a poverty trap for wages and conditions in the workplace. The people at the receiving end of low wages are by and large women. So to me there is a very close link between unemployment and low wages.

The recognised working week is 37 to 38 hours where the trade unions are strong; in the local government, I believe, it is 37 hours. In other places 38, and in others still 40. There has been a highlighted campaign for more than a year by the engineering workers for a reduction of working week and in many cases they have been successful. For example in places like Rolls Royce they have been successful after a long struggle to win a shorter working week. The question of the working week is also linked to unemployment. The slogan that has been used, and I am not particularly fond of, is 'the right to work', but I think the people have the right to leisure, and to have an income which affords them to buy into leisure. So I would like to see a position where people were working shorter hours with no loss of income. It may be a bit naive on my part, but I think that could then create a position where more employment would be created, particularly for the young people who are facing terrible problems, particularly the youngsters who leave school who can't get proper training and proper jobs.

WT: Which organisations or political parties are working to solve these problems? What is the role of the STUC?

J.M.: The STUC has been active since its inception, concerned about the wages and conditions and the social wage. But the STUC have for some time now been putting forward the argument, the need for devolved power for the Scottish nation, devolved power from the UK parliament. These arguments and discussions are gaining support by wide sections of people and organisations in Scotland. From my view when we talk about nationhood we are talking about people who live within that country, and I am talking about people who have chosen to make Scotland their home, and that includes people of no matter what their colour. We have different races and different colours; Scotland is their country, and they have the right to participate in the affairs of that country. We are for building bridges with the ethnic communities.

WT: You mentioned Scottish national parliament. At the same time we are facing the creation of a single Europe. Where does that fit in with the future of Europe?

J.M.: I have my concerns about Europe; and again it's a personal concern. I am concerned about multi-nationals, shifting capital from one country to another - not necessarily within the European market. Europe needs to look if it needs to be a one family, a family in Europe. But Europe must also look at the Third World and other emerging nations and to see how best we can develop trade and lasting relationships with them. There is a number of aspects; there is the whole of Latin America, for instance, and the high exploitation there. One of my other concerns is that the Europeans may feel that they have the answer to the crisis in the world. I think they can assist with the problems.

My aspirations first and foremost are to look at the development in bringing a Scottish parliament for Scottish nationhood, and obviously the building of the links in Europe. But many of these links are already there. They are through the Unemployed Network, for instance. Also through the TUC who deals with social issues in Europe. I think it is important to build relationships with Europe and the European countries, but my main concern is the establishment of a Scottish parliament in Scotland. A parliament that will truly represent the Scottish people and that will not mirror that of Westminster. A parliament where women play a major role.

WT: Earlier you mentioned that the STUC has a women's committee. Could you talk a little about that committee and what its aims are, and what it has done so far.

J.M.: The STUC women's committee have been involved in numerous campaigns. They have been involved in winning, in the trade union movement as a whole, a better and more positive understanding of the need to involve women in the trade union movement, in the decision-making of the trade union movement. The women's committee were responsible for winning special reserve seats for women on the STUC decision-making body, the General Council. We have 10 seats for women now. In 1982 we won a position of 2 seats. The women's committee over the years discussed and raised at their conference, issues which were of concern to women such as cervical cancer, the women's right to choose in the issue of abortion, equality issues such as equal pay for equal work, maternity rights, maternity leave, and issues of this nature, including trying to encourage women to win a position in the trade union movement as a whole. Also the need for the development of women as full time officers within the union. These issues are now very much part of the agenda of the trade union movement. So we have moved away from the compartment of solely a women's issue to one of concern for men and women.

We have also looked at international issues and I am very proud that my own union, the Transport and General Workers' Union, and the women of the STUC have since the '70s shown concern on international issues. Two examples that I could give: there is the work that was done in Chile, where Scottish trade union women regularly wrote to women political prisoners in Chile, sent them post cards, and sent finance to help the children of the women. And just about two and a half years ago a number of us went on a women's delegation to Palestine, and we have kept in touch with the Palestinian women since then. So if we talk about Europe, of course we want European links, but we also want to maintain international links with women; we think that is important.

WT: What is the percentage of workers organised in trade unions in Scotland? How does it compare for instance to England where around 40% are organised?

J.M.: I think it is a similar position in Scotland. And of course a lot of that has come about by the changes in government legislation, the anti-trade union laws and unemployment itself. Perhaps some of the unions should have looked more closely to their rule-books. If you take an industry that has been attacked by this government, for instance the ship-building industry, the mining industry, where the miners by and large were in one union (the National Union of Mineworkers), there was no provision in their rule-book to retain unemployed miners in their union. It is something that I think we all need to address, because a person coming from a work situation to an unemployed situation, needs that link with the union; the union also needs that link with the unem-

ployed. And as I said, in some union rule-books there is no provision for that. In other unions there is a provision that if you become unemployed you can retain the membership of your trade union. For example if you are paying 70 to 75 pence a week to your trade union, and you become unemployed you pay may be 5 pence a week and you retain the rights of membership and other trade union rights which is important too. That is the case in the TGWU. You can retain your trade union membership, your right to attend in the trade union branch, and you are part of the democratic process of your union - at branch, district, regional and national levels. It means you are retaining in your union people who have given a service to the trade union movement; you are retaining the talent, the expertise, and of course the unity, which to me is an important aspect, i.e. the need to build links between those in work and those out of work, the organised worker linking with the unemployed worker. That is something that has got to be strengthened in the period ahead and in the future.

WT: When we talked earlier you said you hoped that the Labour Party would win in the next elections. You also said for example that you were against the Gulf War. As we know the Labour Party supported the Gulf War. Don't you find a contradiction in this position?

J.M.: I cannot be held responsible for the policies of the opposition party in Britain such as the Labour Party. Of course, it was the leadership of the Labour Party, the parliamentary leadership, that supported the war in the Gulf. But there were many Labour people and Labour MPs who spoke out against the war in the Gulf, and who were in demonstrations against the Gulf war. I am sure that the people in the labour movement will try to put their case forward on issues which they think are important such as No war in the Gulf, because that war was a war by the United States. But that doesn't mean to say because the government, the Labour Party, the opposition party, and its spokesperson supported the war in the Gulf that other Labour Party people who had an opposition view should not have the right to express it. I regret that they supported the war, but that is a personal position.

WT: What do you think of George Bush's talk of so-called New World Order, and also the recent events happening in the Soviet Union and the Eastern bloc?

J.M.: I am not very happy about George Bush's New World Order. I find it ironic that a man who is a leader of the most powerful nation in the world, can talk about freedom, democracy and the need for freedom and democracy to be in the Eastern bloc, in the Soviet Union and all over the world, and at the same time ignores what's happening in his own front yard. For example what is his position about the blacks in the United States of America? What is his position about the Puerto Ricans in the US? And what is his position about the poor in the US? Their lot is not a happy lot; and this, under the name of freedom and democracy. So when we look at

Bush's New World Order we should closely examine how he is putting that New World Order into practice in the United States, because I think he's not.

On the international front, the events are changing very very rapidly. We have seen the demise of the former Eastern European bloc; we have seen tremendous upheavals within the Soviet Union. I regret the problems and difficulties in the Eastern bloc countries. I still firmly believe that capital is not the best social order for people. I still think that socialism is still the better system for people to work under. I can't condone what has happened for example in a number of Eastern bloc countries; it is to be regretted. And I think that those who participated in the bureaucracy and all the other things that went on, have done an injury to socialism. Soviet Union I feel very sad about. I think there is still a lot to be revealed of what is happening in the Soviet Union. For example Gorbachev a few months ago in the G7 conference appealed - and this was prior to the coup in the Soviet Union - for aid and the G7 leaders patted him on the head but didn't offer any aid. I think that was incorrect. I think that aid and assistance should have been given to the Soviet Union, and that's still my position. I hope that there will not be massive conflicts within the Soviet nations as some of them claim for their independence and so forth. I hope that the aid from the West will be given - new technology and food for example. Because I think no matter which county we come from, we have to look at building a world that is safe for all of us, and the threat of nuclear explosion and a nuclear war is one that all of us must argue against.

WT: How do you see the role of the international labour movement, in the way of solidarity with the workers' struggle worldwide?

J.M.: I don't have an easy answer to that, but I think what should happen or should be further developed is the trade union movement internationally building stronger links. We need to look at bringing the workers and trade union representatives from the various countries together to ensure that exploitation is not the order of the day for the multinationals. If you have, for instance, a plant in Britain and the multinationals move out of that plant and they put it into the Third World, they are not putting it there because they feel a compassion towards the people in the Third World countries. They are putting it there because they can get labour cheaper - for the exploitation. That is the position for example in Hong Kong, Pakistan, India, and other countries where people are being exploited; not only adults, but children are also being exploited. That's something that we should speak up against. So the need is even greater today for a coordination of people who are in the organised labour, namely the trade union movement, and may be the trade union movement needs to pull down the false barriers that have been built up between different trade union centres. The multinationals don't have barriers. But sometimes we erect false barriers, and it's time that we looked into bringing these barriers down and really working in sisterhood and brotherhood with each other.

IN BRIEF

S Africa

Negaka Sola, a construction worker and an active labour leader of the Construction Workers Union in Lazed, South Africa, was shot dead on the construction site at which he was working. Another union organiser escaped capture and informed the union of the brutal killing of Negaka Sola.

Iran

Thousands of cane-sugar cutters of Haft-Tappe Neishekar company in Iran struck in October following management's refusal to meet their demands. The strike was reported as having virtually brought production to a standstill.

Chile

A strike by 3400 steel workers shut down Huachipato steel mill for several weeks in November and December. The workers have rejected a 1.5 percent real wage rise and a no strike bonus of \$400. The strike follows a series of strikes at state owned copper mines and the health sector. Compania de Aceros del Pacifico is losing \$60,000 a day as a result of the strike.

Spain

20,000 miners in Asturias in northern Spain waged a 48 hour strike on December 28 in protest to mass closures and redundancies planned by the state mining board. The strike was called by 36 union leaders who had staged a sit-in in one of the mines since December 25. There were reported clashes between the strikers and the anti-riot police.

Release imprisoned workers in Iran!

Canadian and French workers condemn anti-labour policies of the Islamic Republic

WT News Service:

Following efforts by Majid Behrouzy and Amir Hasan Zadeh, activists of the Iranian-Canadian Labor Solidarity Committee, to draw the solidarity of labour organisations with the workers' struggle in Iran, a number of labour organisations in Canada issued letters of protest, denouncing the violation of workers' rights in Iran.

Jim MacKinnon of the Labourers' International Union of North America, Local 1059, expressed the union's concern about the "human rights abuses [inflicted] upon the working class in Iran". He said: "No country in the civilized world has the right to treat workers like slaves and deny them the natural justice of twentieth century labour/employer relations".

Swedish construction workers stage a demonstration

WT News Services:

7,000 construction workers marched through central Stockholm on 11 December to protest at the growing unemployment facing the construction workers in Sweden.

According to the *Byggnadsarbetaren*, published by the construction workers' union, over the past year a total of more than 6,000 construction workers have been made unemployed. It is estimated that by next year, altogether

The Labour-Links Solidarity Committee in Canada, expressing its shock over "the recently legislated labour law which deprives the workers in Iran of the basic internationally recognized labour rights", said that it would call on the International Labour Organisation (ILO) to expel the Iranian government from this organisation.

Also in France, following efforts by Sara Aslani, *Worker Today* co-worker in France, Danièle Monnet, general secretary of the Departmental Union of the CFDT union confederation, strongly condemned the execution of labour activists in Iran, as well as demanding "respect for workers' elementary rights, which are the right of organisation in independent unions and the right to strike".

25,000 workers will lose their jobs in the industry.

Further actions have been planned for 18th January, to be held simultaneously in about 50 places across the country.

The feeling of outrage was voiced in part of the manifesto read out at the rally: "We won't accept the game now being played with the employees in the construction industry, treating them as pawns. We demand a halt to this human and economic waste."

CORRECTION

In the last issue of *Worker Today* we reported about the arrest of a number of labour activists in the city of Sanandaj in Iran. Unfortun-

ately the name of one of those arrested was not quite correct. The two arrested workers, who are still in gaol, are: **Saeed Saedy and Zahed Manouchehri**.

Germany:

Steel plant occupied



WT News Service:

Since 23 November workers of the Henningsdorfer Stahl steelworks, 60Km outside Berlin, have been occupying the plant in protest against the threatened closure of large parts of the works which will lead to huge job losses.

The steelworks in Henningsdorf is one of a large number of firms in eastern Germany up for sale since unification by the Treuhand Concern. Built over a year ago, the Treuhand has the job of privatising or shutting down state firms. It has so far sold or shut down 3,500 industries.

According to the trade union weekly, *LO-Tidningen*, published in Sweden, the latest decision to

axe the Henningsdorfer Stahl by selling the profitable parts to the Italian company Riva, and closing down the rest, will mean job losses for 4,000 of the total 5,000 steelworkers at the plant.

In addition to occupying the plant, thousands of angry steelworkers have been demonstrating outside the Treuhand offices, calling for an immediate reversal of the decision.

A union activist in Berlin said: "They are selling out eastern Germany for a few crumbs and don't give a damn what happens to the people. So far Treuhand has kicked out one and a half million people into the ranks of the unemployed."

USA:

70,000 jobs to go in GM

WT News Service:

General Motors announced on December 18 its plans to slash 70,000 jobs over the next four years. The total workforce is to shrink by 18 percent and 21 plants are to be closed.

The announcement marks an apparent shift in policy for the new management, which took over six months ago stressing less confrontationist management techniques, and it is likely to provoke a strong reaction from the United Autoworkers union.

GM plans to reduce its total white collar workforce to 82,000 by the end of 1992 with a further 11,000 cut over the next two years and cut its hourly-paid workers to 250,000 by 1995, half the size of 1985 workforce.

GM's chairman Robert Stempel

said that the cuts would help achieve \$5bn of savings by 1995. GM's losses for 1991 were estimated as around \$2.5bn. Profits from GM's European motor operations and non-automotive businesses could not offset the losses of up to \$7bn-\$8bn in its North American operations which mostly run at 60 percent capacity. GM's car market shares fell during 1980s from 47 percent to 35 percent. All three US car companies are losing money in North America and are hit hard by the current recession.

The recent announcement of closures and job losses are expected to be warmly welcomed by the Wall Street which had put strong pressure on General Motors to take similar measures.

Workers in Iran's Metal Industry Group speak of their situation

Low wages, long hours, lousy conditions

WT News Service:

In a recent interview, a number of workers of the Metal Industry Group, situated in Tehran and the northern city of Sary, voiced their protest at the low wages, the long hours of overtime work, and the appalling situation of health insurance. Around 1500 workers work in the three plants of this group. The interview appeared in the official weekly *Kar-o-Kargar*, publication of the government-linked Worker House institution. Excerpts:

- We have a worker in this factory who, because of financial problems, during last year did over 1,526 hours overtime! If we divide this by 220 - the hours worked by a worker in a month - we see that this worker has worked nearly 7 months overtime! You can imagine how much rest this worker has been getting during last year, or how much time he has been able to spend with his family. I call on the authorities to see to it that overtime is included in workers'

service record. Because I and other workers, due to our financial situation, have to work too much.

- With the overtime pay, my wages are 170,000 rials [\$121] a month, and I pay 12,000 rials insurance charges every month. Because of paralysis after using cold water during winter, I had to be hospitalised for six months. And having been tossed around from one place to another, I did not get a penny from the insurance. Now I have recovered a little, but I am deep in debt. I still have problem with the nerves and have to pay 1.5m rials for an eye operation. But I have nothing. Where am I supposed to get that from? When is the insurance going to come to my rescue? The social insurance doctors are only good for giving pills against cold, and if an operation is needed, they say, first go and pay some 500,000 rials into the account!

- The problems of workers in Iran are not few. We face problems in

all areas, from the kids' education down to problems of health care, food and clothing. Although in some factories they see into some of the workers' problems, this is not yet radical; the problem must be uprooted.

- We expect the President to control the inflation. When you count in the inflation, the workers' pay come to nothing. As the country's executive you have to do something to create a balance so that the poor would not get needier and the capitalists richer day by day.

- The conditions at the plant are alright on the whole. But the problems in society have gotten us into serious difficulties. The government raised the wages by 20,000 rials a month, but on the other hand let the prices soar. So the situation now is that we have to take even more out of our pay. My question is, what sort of a service to the deprived people is it that some merchants rip off the people, without the government even lifting a finger against them?

● Bringing barriers down

Jane McKay, Chairperson of the General Council of the Scottish Trades Union Congress talks about national and international issues. page 11

● On the US nurses' strike

Interview with Bob McCloskey, chief negotiator for (SEIU) Los Angeles Local Page 10